

طبقه کارگر، که مطمئن ترین تکیه گاه انقلاب است، باید بازوی مسلح انقلاب باشد

اسلحه و آموزش نظامی را بدرون کارخانه ها ببریم

آن وارد آورده که دیگر، مرکز نتوانست قد راست کند. طبقه کارگر، در دوران پس از پیروزی انقلاب، در قبال فشارهای اقتصادی امپریالیسم آمریکا به دعوت امام خمینی، پاسخ مثبت گفت و وظیفه افزایش تولیدات صنعتی را در برابر خود قرار داد و این در شرایطی است که گرانترین و گرانترین کالاهای تولیدی را ساخته است.

کارگران برای حفظ انقلاب از دستبردزدان خارجی و داخلی، برای تامین جو آرام در کارخانهها، برای رساندن تولید به مرز خودکفایی، پذیرفته اند که حریم تصنع و اعتصاب راه که خواستخواه سوجب افول تولید داخلی و غفلت جو هرج و مرج خواهد شد بیکار نگیرند و در برابر نظام برخاسته از انقلاب، تقاضای نشان دهند.

کارگران با هشیاری طبقاتی خود دریافته اند که اگر هنوز انقلاب خواستهای اساسی اقتصادی آنها را برآورده نماند، مشکلات اصلی کار و زندگی آنها حل نشده است و ملیت در انقلاب در نهایت بود زحمتکشان است، که اگر امروز انقلاب قاطعاً به انجام نرسد، این انقلاب و یا تصور و مسامحه از سوی برخی مسئولان وجود دارد، فردا برترید رفاه کارگران و همه توده های زحمتکش در برزخ کار مشغولان قرار خواهد گرفت. **بقیه در صفحه ۸**

بهنیروی می توان توده ها در رویارویی با امپریالیسم آمریکا و ضدانقلابی اطمینان داشت و از این نیرو به حداکثر بهره برد. باید مردم را هرچه بیشتر برای دفاع از انقلاب مسلح کرد.

ارتش بیست میلیونی، که به فرمان تاریخی امام خمینی پایه ریزی شده، در کنار نهادهای مردمی، چون سپاه پاسداران و کمیته های انقلاب، آن جنبش مقاومت عظیمی است که از ضرورت عینی انقلاب برخاسته است. ارتش بیست میلیونی را باید نه تنها در شهرها، که در روستاها نیز، نه تنها در مساجد، که در مدارس نیز، نه تنها در دانشگاهها، که در کارخانه ها نیز بسیج کرد.

هسته های مقاومت در برابر هجوم امپریالیسم آمریکا و ایالتی آن، هم در مدارس و مساجد و دانشگاهها ضروری است و هم در کارخانه ها، که مرکز تجمع کارگران است. طبقه کارگر، با آگاهی از وظایف تاریخی خویش در حفظ دستاوردهای انقلاب و تکیه و تحکیم و گسترش آن، آن نیروی عظیمی است که میتواند عظیم ترین سد پایداری در برابر تهاجمات امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب باشد.

طبقه کارگر ایران، در دوران انقلاب، پستگاه آگاه ترین طبقه، با تبدیل اعتصابات اقتصادی به اعتصابات سیاسی، با تمویض اعتصابات پراکنده به اعتصاب سراسری و سرانجام بایستن شیرهای نفت، چنان شریه کوبنده ای بر ارتجاع حاکم و امپریالیسم حامی

خطر توطئه خونین امپریالیسم آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی ایران وارد مراحل جدی تری می شود. علاوه بر تأیید مقامات مسئول مملکتی از وجود توطئه، اخبار خبرگزاریها و مطبوعات خارجی حاکی از تلاش پر تب و تاب سازمانهای جاسوسی سیا، اینتلجنت سرویس، موساد برای تجربه توطئه تازه ای علیه انقلاب ایران است. روزنامه «واشنگتن پست» پنجاه نکرده است که امپریالیسم آمریکا در تلاش به قدرت رساندن یک رژیم مورد اعتماد در ایران است.

برای آنکه امپریالیسم آمریکادر این نقشه شیطانی توفیق یابد، سراسر منطقه اقیانوس هندوخلیج فارس را به انبار باروت و ادوات جنگی و اردوگاه کماندوها، رنجرها و تفنگداران خود تبدیل کرده است. حضور نظامی پنتاگون در این منطقه، هر روز گسترش بیشتری می یابد و ناوگان جنگی آمریکا در دریای عرب به سبب و گشت مشغولند. تنها در حوالی تنگه هرمز ۳۰ ناو جنگی آمریکا مستقر شده است، تا از «منافع حیاتی» آمریکا در منطقه پاسداری کند.

مزدوران ایرانی، که زیر نظر جاسوسان آمریکایی، اسرائیلی و مصری آموزش خرابکاری، ویرانگری و آدمکشی دیده اند، اکنون اشکال پدیدار شده در سواحل جنوبی ایران را تمرین میکنند.

به یک کلام، خطر پیرامون کشور ما در بروز است و برای دفع آن باید هم هشیار و آماده بود و هم

رعایت سلامت امام خمینی یک وظیفه بزرگ انقلابی است

جندی پیش دکتر امام طی اطلاعیه ای از مردم خواست که برای رعایت سلامت امام خمینی از تقاضای ملاقات با ایشان خودداری کنند. **بقیه در صفحه ۸**

پس حفظ جان امام خمینی، رعایت سلامت امام خمینی، یک وظیفه بزرگ انقلابی است. پس براساس این وظیفه بزرگ انقلابی و با توجه به اطلاعیه دکتر امام و هشدار مکرر آیت الله منتظری، می باید محدود ساختن ملاقات با امام خمینی از طرف مقامات مسئول و همه دست اندکاران سازمان داده شود، زیرا خود امام خمینی با خصلت انسان دوستانه و خلقی خویش مسلم است که تقاضاهای ملاقات را رد نمیکنند.

ما ضمن ابراز آرزوی صمیمانه و صادقانه خود برای سلامت امام خمینی، از مردم می طلبیم که از تقاضای ملاقات با امام خمینی خودداری کنند و از مقامات مسئول و دست اندکاران می خواهیم که برای محدود ساختن ملاقات با امام خمینی تصمیمات جدی و فوری اتخاذ کنند. **بقیه در صفحه ۸**



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۲۹، یکشنبه ۹ شهریور ۱۳۵۹، بها: ۱۵ ریال

رسانه های گروهی جمهوری اسلامی ایران باید شایسته انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران باشند
صفحه ۷

چهره تجاوز کار امپریالیسم آمریکا در صحنه جهانی
صفحه ۸

دولت شوروی دوست و متحد وفادار مردم ایران در مبارزه برای آزادی و استقلال ملی شصت و یکمین سالگرد انتشار پیام شوروی خطاب به کارگران و دهقانان ایران

روز جمعه ۷ شهریور ۱۳۵۹، دهقانان ایران، تفسیری بخش کرد، که بعلت اهمیت موضوع، عین آنرا به اطلاع خوانندگان گرامی می رسانی. **بقیه در صفحه ۲**

منافع انقلاب، نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصول اخلاق می طلبد که بیدارنگ خانه حزب توده ایران و دفتر ناهه مردم، به حزب توده ایران مسترد گردد

آیت الله منتظری در خطبه های نماز جمعه گفت: آمریکا هدفش گروگانها نیست، بلکه گروگانها بهانه است. **صفحه ۸**

آزادی بقائی ها، اسارت انقلاب

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم! **بقیه در صفحه ۲**

چرا رادیو به تبلیغات ضد توده ای دامن میزند؟

دیروز رادیو بازم برنامه «دوره های» را به ناسزا و اتهام به حزب توده ایران اختصاص داد.

در شرایطی که مبین ما، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران با بزرگترین توطئه امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پیروده آن در روبروست و مقابله با این توطئه خطرناک قبل از هر چیز بسیج و اتحاد همه نیروهای انقلابی را می طلبد، حمله به حزب توده ایران، حربه که شجاعانه و بیگانه توطئه های امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پیروده آنرا فاش می سازد و صادقانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع می کند، بچه معنی است؟ بنفع کیست؟ در خدمت کیست؟

ما جدا به بخش ناسزا و اتهام علیه حزب توده ایران آنهم از دستکاهی که مخارج آن از بیت المال مردم تامین می شود، به شدت متعجبیم و از مسئولان امر مصرانه می خواهیم که به این تبلیغات مخرب و نفاق افکن پایان داده شود.

تأمین رفاه زحمتکشان یکی از هدفهای عمده انقلاب است

توانند برای نیروی مولد جامعه کار تهیه کنند، نتواند به دهقان آب و زمین بدهد، نتواند برای میلیونها بی خانمان مسکن تامین کند، نتواند کالای فراوان به نرخ عادلانه متناسب با درآمد مردم در اختیار زحمتکشان محروم این مملکت بگذارد، نتواند برای میلیونها خانواده طاعون زده ایرانی، فرهنگ و بهداشت و زندگی آبرومندانه بیافریند، نتواند - آنطور که حجت الاسلام خامنه ای بدرستی مبرترین وظایف دولت جدید را بر شمرده اند - «اهمیت و رفاه» را برای همه مردم تامین کند، بیتک به مکتب صدمه خواهد رسید و انقلاب زیانهای جبران ناپذیر خواهد دید. به همین علت در روزهایی که تشکیل دولت و تدوین برنامه آن در جریان است، ما لازم دانستیم این تذکر را به آقای نخست وزیر بدهیم که، برنامه شما باید برنامه استقلال اقتصادی و سیاسی و فرهنگی نظامی ایران و در عین حال برنامه تأمین رفاه توده های عظیم مردم محروم ایران که رژیم طاغوت آنها را به خاک سیاه فقر و مسکنت نشاند، بود، باشد - یعنی برنامه ای باشد مطابق با اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصول عدل و قسط اسلام انقلابی!

همین امیدها، آرزوها و نگرانیهاست که ما را وامی دارد تا هر آنچه که بصلاح انقلاب دانستیم، تذکر دهیم و به مقامات مربوطه، در اجرای وظایف بزرگ تاریخی خود، که همانا تحکیم و تثبیت جمهوری اسلامی ایران است، بقدر توانائی خود یاری رسانیم. در ارتباط با همین اصل است که، پس از تمهید در اطراف اظهارات چند روز پیش نخست وزیر، لازم دانستیم این اظهارات را مورد بررسی قرار دهیم، تا شاید به مستحکمی برنامه دولتی که در حال تشکیل است کمک کرده باشیم.

نخست وزیر در گفتگو با خبرنگاری پارس گفته است: «بکسری توقعات کاذب در جامعه درست شده و ملت در انتظار است. ما از این نظر کارمان خیلی مشکل است... جامعه به سرعت منتظر است تا ما مسائل رفاهی را مطرح کنیم. اما من این خط را صحیح نمی دانم. ما آنقدر که نگران مکتب هستیم، نگران کم و زیادتی پرتقال و انگور نیستیم.»

ما نوشتیم که «مردم از تأخیر در معرفی دولت نگرانند». امیدواریم مجلس شورای اسلامی ایران، ریاست جمهوری و نخست وزیر کشورمان هر چه زودتر موفق شوند که این نهاد دیگر رژیم انقلابی، یعنی هیئت دولت را تشکیل دهند و معرفی کنند، تا کام مهم دیگری در تثبیت جمهوری اسلامی ایران پر داشته شود. شرایط بسیار حساس و پر مسئولیتی که امروز کشور ما و جمهوری جوان اسلامی مادران قرار دارد، از همه مسئولان و زمامداران می طلبد که کلیه مسائل فرعی و درجه دو را جانچا جانچا خصوصی را کنار بگذارند و بخاطر حفظ دستاوردهای انقلاب و تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران، به حل مسائل اصلی و بنیادی و تعیین کننده بپردازند و در این راه از هیچ فداکاری دریغ نورزند. ما امیدوار هستیم به آینده نظام نوین کشورمان پدیده خوش بینی می تکریم.

در مطلب امروز می خواهیم مسئله دیگری را مطرح کنیم که، با تشکیل دولت مربوط است و بنظر ما یکی از خادترین مسائل مربوط به بنیاد انقلاب است، و آنهم ایجاد تحول در زندگی ملای و معنوی خلق مستضعف و محروم ایران است. **بقیه در صفحه ۸**

منافع انقلاب، نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصول اخلاقی می طلبد که پیدرتنگ خانه حزب توده ایران و دفتر نامه «مردم» به حزب توده ایران مسترد گردد

هفته هاست که دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و محل دفتر «نامه مردم» در تهران و سازمانهای حزب در شهرستانها در اشغال غیرقانونی قرار دارد و علیرغم اظهارات و نظرات عالی ترین مقامات پارلمانی، دولتی و قضائی کشور درباره لزوم آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی صریح به انقلاب در چارچوب قانون اساسی، هنوز خانه حزب ما و دفتر روزنامه ما را به ما پس نداده اند.

اشغال خانه حزب ما و دفتر روزنامه ما در شرایطی انجام گرفته که، انقلاب شکوهمند ایران حساسترین و سرنوشت سازترین مراحل خود را طی میکند. سرتاسر دنیای شیاطین، بر سر گردگی شیطان بزرگ آمریکا، نیروی اهریمنی خود را علیه انقلاب ایران بسیج کرده، تا در لحظه مساعد، با وارد کردن ضربتی مترکز، جمهوری اسلامی ایران را نابود سازد و ایران را بزرگ سلطه جهانی خود بازگرداند. برای رویارویی با این خطر عظیم و بیروزی بر دشمن حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از هر خطری، باید تمام نیروها در یک صف خنجر ناپذیر، در یک سنگر واحد و متحد و منسجم، زیر رهبری

چشم بیدار و گوش هتیار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران محسوب داشته و در حدود امکانات خود این نقش افتخار آفرین را اجرا کرده است.

و در همه این مسائل، ما بر کسی متنی نمیگذاریم. ما بوظیفه انقلاب خود عمل کرده ایم و بندای وجدان خود این راه را بر گزیده ایم و بدون خستگی و یا رنجیدگی از بی مسبری دوستان انقلاب، آنرا یا قاطعیت ادامه خواهیم داد.

اطمینان داریم که خواننده عزیز وضع ما را بخوبی درک میکند. اگر دشمن این کار را یا ما کرده بود، که برای ما و همگان مفوم بود، درد دل ما و رنج معنوی ما از اینست که، اشغال خانه حزب و روزنامه ما بعنوان مأمور دوسته انجام گرفته است، و هفته هاست که این اشغال ادامه دارد. تاسف و حیرت عمیق، از اینست که، علیرغم سخنان صریح امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، که نباید هتیل جنگل با هم رفتار کنیم و با وجود اظهارات روشن عالی ترین مقامات کشور در مورد تأمین فعالیت آزادانه گروههای سیاسی در چارچوب قانون اساسی، یکی از بزرگترین اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره ضرورت آزادی

رسانه های گروهی جمهوری اسلامی ایران باید شایسته انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران باشند

رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی، در جمع کارکنان روزنامه اطلاعات سخنانی ایراد کردند که نه تنها برای کارکنان مطبوعات، رادیو تلویزیون، دیگر وسائل ارتباط جمعی، بلکه برای همه اجتماع ما از لحاظ تأثیر آموزش و پرورش نسل جوان، تذبذب اخلاق همگان و اصلاح جامعه اهمیت بسزائی دارد.

البته امروز کمتر کیست که از نقش موثر رسانه های گروهی در جامعه بی خبر باشد. اما صحبت فقط بر سر درجه اهمیت این نقش و میزان تأثیر آن نیست، بر سر چگونگی آنست.

بطوریکه رهبر انقلاب متذکر شدند، رسانه های گروهی میتوانند از طریق ترویج فساد (دروغ پردازی، تحریف حقایق، بزرگ جلوه دادن مطالب نچیز و کوچک قلمداد کردن مسائل مهم، خلط بحث و غیره) افکار عمومی را بفریبند، تربیت نسل جوان و بالاخره موضوع عمومی را به تاهی بکشانند، چنانکه در زمان طاغوت خصوصاً در ظرف پنجاه و چند سال آخر، کردند. برعکس، «اگر مطبوعات متحول بشود و انشالله... متحول میشود و سدهاست» آنوقت است که از تربیت نسل جوان، در تشکیل درست افکار عمومی نقش سازنده مثبتی ایفا کرده، به اصلاح جامعه کمک موثر میکند.

پس رسانه های گروهی جمهوری اسلامی ایران چگونه باید عمل ایفا میکنند. برای مثال لازم نیست به گذشته دور مراجعه کنیم. امپریالیسم آمریکا کشور تایلند را (مانند ایران در زمان طاغوت) از باصلاح مستشاران نظامی و انواع سلاح های تهاجمی پر کرده و پایگاه توطئه تحریک، خرابکاری و تجاوز علیه کشورهای پیشروی جنوب خاور آسیا (ویتنام، لائوس، کامبوجیا...) تبدیل کرده است. اما اکثر مطبوعات و رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی ایران، با استفاده از منابع اطلاعاتی امپریالیستی، اغلب و با قهرمانی کم نظیر در تاریخ، بیروزمندان رودروری امپریالیسم جهانخوار آمریکا ایستاده و از انقلاب شکوهمند مردم ایران و رهبری امام خمینی همواره پشتیبانی و تجلیل کرده است، در رویدادهای مرزی تایلند و کامبوجیا «مفسر» قلمداد میکنند! امپریالیسم جهانخوار آمریکا هم اکنون سومالی را (در مقابل ۴۰ میلیون دلار، که به رژیم سیلاباره پرداخته) به پایگاه نظامی خود در غرب اقیانوس هند تبدیل کرده و بندر برورا را (بهرام جزایر دیوگاریا در اقیانوس هند و مصریه در ساحل عمان، در رأس مثلث استراتژیک) بویژه علیه انقلاب ایران مسلح ساخته است. رژیم سیلاباره اراضی سومالی را به پایگاه تحریک، توطئه و تجاوز علیه اتیوپی انقلابی تبدیل کرده است. اما رسانه های گروهی ایران با استانداردهای اطلاعاتی امپریالیستی، جمهوری اتیوپی را (که مردهش در نتیجه مبارزات طولانی علیه امپریالیسم و رژیم طاغوتی امپراطوری، استقلال خود را بیست آوردند) و از انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی میکنند) مورد حمله قرار میدهند! چند روز پیش خبر رسید که انور سادات خیانت پیشه، پایگاه دریایی بندر راسی (در ساحل دریای سرخ) را در اختیار

لاید به لحن خبر توجیه کرده اند: «مقام عالی رتبه، «کمک»، «تسهیلات نظامی»... واقعا هم درباره بهترین دولت های دوست با لحنی بهتر از این نمیتوان سخن گفت، در حالیکه اینجاست از رژیم سادات و دولت کارتر، یعنی بدترین دشمنان انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران در میان است.

و از این چالپوش آنکه، در پایان خبر، روزنامه خود، به خط درشت تر، می دارد این عمل رژیم خیانت پیشه و خود فروخته سادات، نوکر امپریالیسم آمریکا و همدست مسیونیس را، با «مداخله شوروی در افغانستان» ترمه کند...!

جمهوری اسلامی ایران مولود انقلاب شکوهمند مردم ایران به رهبری امام خمینی است. شایسته آنست که وسائل ارتباط جمعی جمهوری اسلامی ایران قبل از هر چیزی از موضع انقلابی سخن گویند و بنویسند، متأسفانه تاکنون منابع اطلاعاتی اغلب رسانه های گروهی (که در گفتار مدعی پیروی از شعار «عشترقی، نه غربی» اند) تقریباً منحصر به منابع غربی: آسوشیتد پرسی، یونایتد پرسی، فرانس پرسی، رویترز... است. بیامارت دیگر، آنها خود (یکسال و هفت ماه پس از انقلاب) هنوز هم از منابع امپریالیستی تغذیه میشوند و نهایت تلاش را هم دارند تا خوانندگان و شنوندگان را نیز با منابع امپریالیستی تغذیه کنند. و این درست همان منابعی است که رسانه های گروهی و بوسیله آنها «افکار عمومی» را سالیان دراز در دوران طاغوت تغذیه میکردند.

چنانکه دیدیم، نتیجه نهائی آن (علیرغم همه تلاشی رژیم خون آشام طاغوت) قیام بیروز خلق علیه آن رژیم دست نشانده امپریالیسم، سرنگونی آن و ضربه زدن به تسلط امپریالیسم بود، زیرا چنانکه گفته اند: یک نفر را برای همیشه و همه را برای مدتی کوتاه میتوان فریفت، لیکن همه را برای همیشه نمیتوان فریب داد.

مردم رزمنده ایران در خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی قیام کردند و پیروز شدند. آنها عزم راسخ دارند در خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، انقلاب شکوهمند خود را به پیروزی قطعی و نهائی برسانند. چنان رسانه های گروهی شایستگی جمهوری اسلامی ایران را دارند که در این خط ضد امپریالیستی و خلقی با بیای مردم رزمنده پیش رو،

یکی از شهود دادگاه ویژه فاجعه سینما رکس گفت: بعضی از کسانی هم که از سینما خارج شده اند، توسط ساواک کشته شده اند

در ادامه دادگاه ویژه رسیدگی به فاجعه سینما رکس آردان، که در روز جمعه ۷ شهریور به تشکیل گردید، نکات تازه ای از این فاجعه فاش شد.

در این جلسه دادگاه، یکی از شهود، که خود شب حادثه شاهد آتش سوژی بود گفت:

«هنگامی که به تهاپی برای خاموش کردن آتش سان انتظار سینما، که در آتش می سوخت، از بلکن بالا رفته و قسمتهای از سان انتظار را خاموش کرد، که ناگهان شش محکم به سر من اصابت کرد و دیگر چیزی نفهمیدم. وقتی چشم باز کردم، خود را در چهارستان یافتم. هنگامی که در بیمارستان بودم، پس از مدتی چند ماهه شهر یابی به بیمارستان آمدم و مرا با خود به شهر یابی برده و مورد بازجویی قرار دادند».

او سپس ادامه داد: «همکار است بعضی از کسانی که از سینما خارج شده اند نیز توسط ساواک و ماموران دیگر کشته و دفن شده باشند، خود من شب بعد از حادثه در گورستان بودم و گروهی را که لباس شخصی و لباس ماموران ژاندارمری به تن داشتند، دیدم که سه جسد را به گورستان آورده و در حالی که درون بچه ای ریخته بودند، دفن کردند».

در ادامه شهادت شهود محمد بزرگوار، برادر فرج بزرگوار، یکی از عاملان فاجعه، که در سینما سوخته است، در جایگاه حضور یافت. او گفت:

انقلاب ایران بمل می آورد، دولت شوروی مانند سابق به سیاست تئینی سنتی خود وفادار بوده و خواستار ابراز احترام کامل به حق ملت ایران برای تعیین مستقل سرنوشت و رعایت حق حاکمیت ملی و حفظ تمامیت ارضی ایران است و با مداخله

دولت شوروی دوست و متحد وفادار مردم ایران در مبارزه برای آزادی و استقلال ملی است

شصت و یکسال پیش، ۱۹۱۹ سال (۶ شهریور ۱۲۹۸) دولت شوروی پیامی خطاب بکارگران و دهقانان ایران انتشار داد. در این سند موضع اصولی کشور نوپید شوروی در مورد ساخت و پاخت امپریالیسم انگلیس و زمامداران ازبجای ایران، که سه هفته پیش از آن قراردادی را امضاء کرده بودند، که کاملاً به زیان ایران بود و جنبه اسارت بار داشت، تشریح شده بود.

دولت شوروی در پیام خود بعنوان کارگران و دهقانان ایران سیاست ددمنشانه امپریالیسم انگلیس را، که تلاش میکرد سلطه کامل خود را بر ایران برقرار سازد، فاش کرد.

در این پیام تأکید شده بود که کار کتیفاختناق آزادی ملت ایران، با همسستی مستقیم زمامداران مزدور ایران انجام میگردد. در پیام گفته شده بود مردم ایران اکنون از ردیف ملت های آزاد اخراج شده و زمامداران ظالم و ستمگر ایران از انگلیس پول می گیرند و کاملاً به نو تران انگلیس مبدل میشوند، که از آن مزد دریافت می کنند.

روشن است که دولت شوروی، که از نخستین روزهای موجودیت خود سیاست دوستی و حسن همجواری را در مورد مردم ایران دنبال می کرد و از آرمانهای آزادیخواهانه آنان کاملاً پشتیبانی مینمود، نمیتوانست در مقابل خطر جدید انقیاد ایران از سوی اجنبیان بی تفاوت بماند و هیچ عکس العملی از خود نشان ندهد.

در پیام دولت شوروی گفته شده بود، در آن موقع که ددان فاجعه انگلیس تلاش می کنند طوق انقیاد کامل را به گردن ملت ایران بیندازند، دولت کارگری و دهقانی جمهوری روسیه رسماً اعلام میدارد که قرارداد انگلیس و ایران را، که انقیاد ایران بموجب آن صورت میگردد، برسمیت نمی شناسد. میدانیم که دولت ایران زیر فشار جنبش ضد امپریالیستی، که در کشور آغاز شده بود، ناچار قرارداد اسارت بار انگلیس و ایران را فاش

وقتی در بجهه انقلاب اسلامی ایران در معرض خطر جدی ناشی از تجاوز آمریکا قرار گرفت، اتحاد شوروی به طرفداران سیاست کذائی زور و اجحاف با قاطعیت هشدار داد. اتحاد شوروی با صراحت اعلام کرد که هرگونه مداخله از خارج در امور داخلی مردم ایران غیر مجاز است. اکنون که امپریالیسم و نوکران آن تلاشیهای تازه ای برای اختناق

در امور داخلی ایران جدا مخالف است. مزدم ایران در مبارزه با خطر تاملین منافع ملی حیاتی خود و علیه سوء قصد امپریالیستها به استقلال و آزادی آنان درآینده نمیتواند به همدردی و پشتیبانی همسایه شمالی خود امیدوار باشد».

آزادی بقائی‌ها، اسارت انقلاب است

بقائی جنایتکار باید دستگیر و محاکمه گردد و برای کشف شبکه‌های توطئه امپریالیسم آمریکا مورد بازجویی قرار گیرد

که با ماموران سفارت تاس‌های مخفی داشتند. این تاس‌ها گاهی در اواخر شب، با استتار کامل و مذاکرات دراماتیک جاسوس آمریکایی صورت می‌گرفته است و گاهی تماسها در مهمانی‌های خصوصی همراه با صرف مشروبات الکلی بوده است. تماسها نه تنها با خودبقائی، بلکه با همکاران وی نیز بوده است. (تظنیر زهری)...

به موجب این اسناد و سایر اسناد و شواهد، بقائی و گروهش همیشه طرفدار شاه و خواستار ابقای وی بوده‌اند. گروه بقائی هرگز خواستار لغو سلطنت نبوده است بلکه با اصرار در تعدیل روش شاه همیشه وفاداری خود را به شاه و اعتقادشان را به سلطنت نشان داده‌اند.

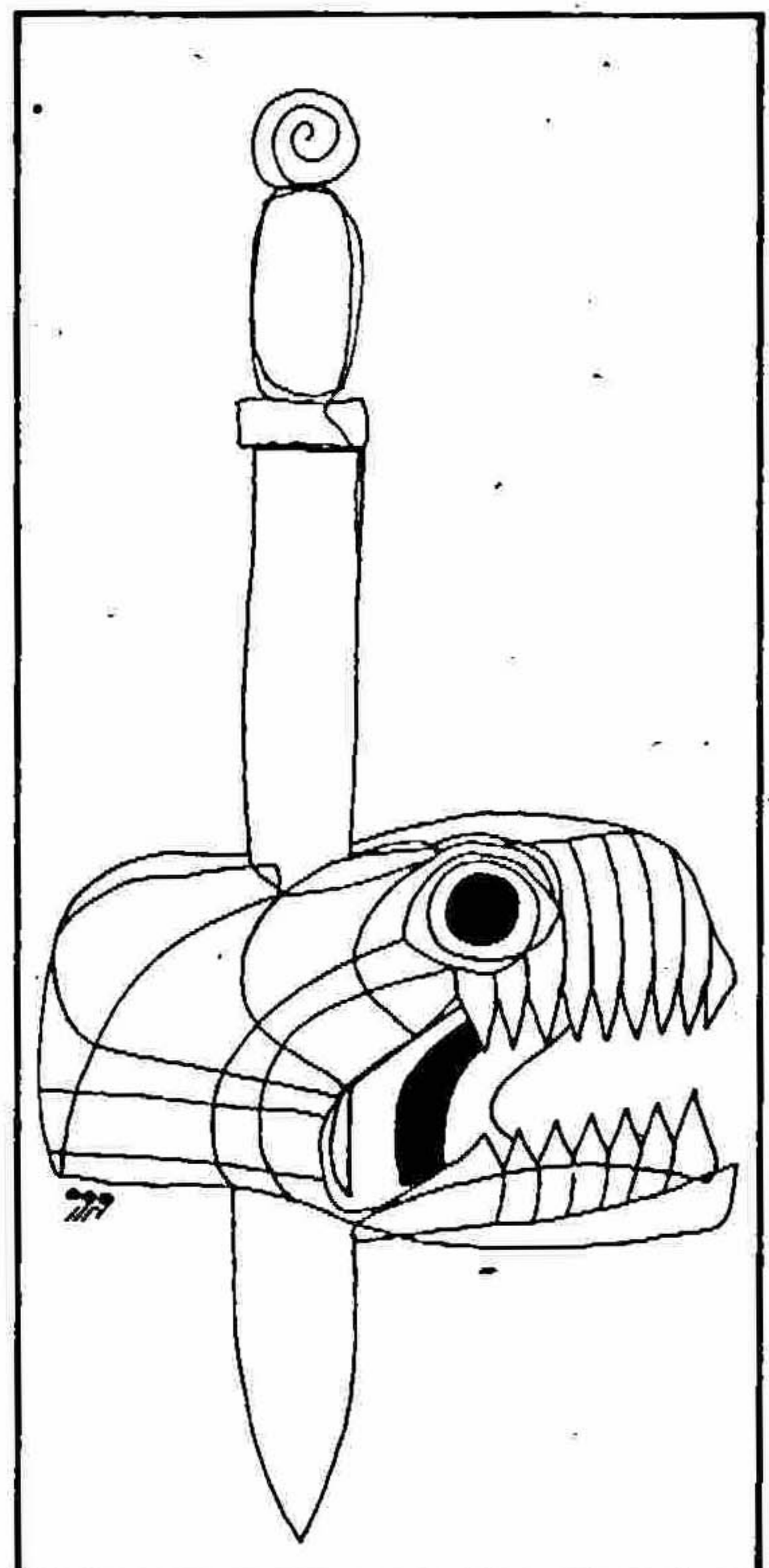
به موجب همین اسناد و سایر اسناد و شواهد، بقائی و یارانش از عوامل اصلی ایجاد اختلاف و تشدید اختلاف میان مرحوم حضرت آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق بوده‌اند و همه شاهد بوده‌اند که این اختلافات چه فاجعه‌ای که برای ملت ایران بوجود نیامد!

تمام آنچه که آقای دکتریزدی، با استناد به سندهای دانشجویان* مسلمان پیرو خط امام، در مورد بقائی گفته است، بارها توسط حزب توده ایران اعلام گردیده است. حزب ما از توطئه‌های پنهان و آشکار این جنایتکار، چه در سالهای پیش از کودتای ۲۸ مرداد و چه از توطئه‌ها و خرابکاری‌های او پس از انقلاب، پرده برداشته و مسئولان جمهوری اسلامی ایران را از فعالیت‌های ضد انقلابی او آگاه کرده است.

بنا به اطلاعات موثقی که ما داریم و در شمارف‌های گذشته نامه "مردم" نیز از آنها یاد کرده‌ایم پس از انقلاب بهمن ماه، بقائی فعالیت توطئه‌گرانه و ضدانقلابی خود را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از سر گرفته است و همانند گذشته به بسیج دسته‌های اوباشی و جماعتدار مشغول است، تا با بوجود آوردن بلوا و آشوب و ایجاد محیط‌ترعب و وحشت و ناامنی زمینه را برای کودتا آماده‌کند. بقائی در فروردین ماه امسال، ۱۲ روز با تیسمار مهدیون معدوم، سازماندهنده توطئه کودتای خائنانه ۱۸ تیرماه، که یکی از دوستان نزدیک بقائی بود، ملاقات داشته است.

مهمانی "کشک بادمجان" بقائی در جنگل "قائمیه" کرمان، که با حضور سرمایه‌داران و مالکان بزرگ کرمان و عوامل منحوس امپریالیسم و رژیم گذشته و ساواک، همزمان با اجرای توطئه کودتا، تدارک دیده شده بود، مؤید توطئه‌گرایی و فعالیت ضدانقلابی او است. بقائی جاسوس و جنایتکار باید دستگیر و محاکمه شود و بسزای جنایاتی که انجام داده است، برسد. شبکه سیاسی آنرا نیز کشف و نابود کرد، تازمین دیگر کودتاها از میان برود. با دستگیری و بازجویی از بقائی، قطعا می‌توان اطلاعات مهمی در ارتباط با توطئه کودتای اخیر بدست آورد این امر به کشف شبکه‌های توطئه، کمک بسیار خواهد کرد.

آزادی توطئه‌گرانی همچون بقائی‌ها، خطرات جدی برای انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران در پی خواهد داشت و دستهایی که در جهت آزادی بقائی‌ها تلاش می‌کنند، بیشک لطمات جدی بر انقلاب ایران وارد خواهند ساخت.



کیفر توطئه‌گران ضدانقلابی مرگ است

پیروزی مصدق با همکاری ستون پنجم استعمار

سرخ و سیاه و امحاء آخرین تار آزادی تسجیل شده است

مردم ایران، استقلال و آزادی شما، مشروطیت و قومیت شما، در معرض وحشیانه‌ترین یورت‌های خائنانه است

مردم آذربایجان و ایل شامسون بر علیه حکومت غیر قانونی دکتر مصدق قیام نمودند

دانشکده آفسری بعنوان اعتراض به دولت غیر قانونی اعتصاب غذا کردند

مردم ایران، استقلال و آزادی شما، مشروطیت و قومیت شما، در معرض وحشیانه‌ترین یورت‌های خائنانه است

مردم آذربایجان و ایل شامسون بر علیه حکومت غیر قانونی دکتر مصدق قیام نمودند

دانشکده آفسری بعنوان اعتراض به دولت غیر قانونی اعتصاب غذا کردند

کریک روزنامه میخواند استقلال و مشروطیت را نهاد سازند اما اینهم آرزو است

میانگین کسب‌کردن خوب توفیق و شادمانی مردم وجه آزادی

مردم ایران، استقلال و آزادی شما، مشروطیت و قومیت شما، در معرض وحشیانه‌ترین یورت‌های خائنانه است

مردم آذربایجان و ایل شامسون بر علیه حکومت غیر قانونی دکتر مصدق قیام نمودند

دانشکده آفسری بعنوان اعتراض به دولت غیر قانونی اعتصاب غذا کردند

دوروز پس از کشف و خنثی شدن توطئه کودتای خائنانه ۱۸ تیرماه، دکتر مظفر بقائی کرمانی، رهبر حزب زحمتکشان ایران، به همراه عده‌ای از عوامل امپریالیسم آمریکا و رژیم منقر گذشته و ساواکی‌ها، که به بهانه مهمانی "کشک بادمجان"، در جنگل "قائمیه" کرمان گرد آمده بودند، توسط ماموران سپاه پاسداران کرمان دستگیر شدند.

از جمله چهره‌های سرشناسی که در این مهمانی شرکت داشتند، محمدی، پدر زن تیسمار مهدیون معدوم و رهبر کودتای خائنانه اخیر، علی اصغر مظفری، نماینده سرسپرده مجلس شاه سابق، نورائی، معاون سابق مجیدی در سازمان برنامه و بودجه، دکتر ناصر، رئیس سابق شیروخورشید سرخ، که به بدنامی مشهور است، احمد ارجمند و هوشنگ ارجمند از سرمایه‌داران و مالکان بزرگ کرمان و صاحب قالبیافیهای عده کرمان، بودند، که همگی به همراه مظفر بقائی دستگیر شدند. ولی متأسفانه همه این افراد پس از مدتی از زندان آزاد می‌شوند و اکنون آزادانه به اعمال توطئه‌گرانه‌شان علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ادامه می‌دهند.

مظفر بقائی چهره ناشناختی برای مردم ایران نیست. جنایات و خیانت‌هایی که او در طول جنبش ملی مردم ایران انجام داده، بر هیچکس پوشیده نیست. بقائی همزمان با آغاز گسترش نفوذ امپریالیسم آمریکا در ایران پایه عرصه سیاست ایران نهاد و از همان ابتدا لحنهای درآستان بوسی دربار شاه، ابق و خدمت به ارباب بزرگ خود، یعنی امپریالیسم آمریکا عقلت نکرد.

بقائی همواره می‌گویند که راه را برای نفوذ امپریالیسم آمریکا در ایران هموار کند. او در روزنامه شاهد، مورخ ۲۷ شهریورماه ۱۳۲۸، می‌نویسد:

"همان طور که من چندین دفعه در مجلس تذکر داده‌ام، با اذعان به این که در دنیا امروز بی‌طرفی ممکن نیست، نمی‌بایستی موقعیت سیاسی خود را مفت از دست بدهیم." (یعنی با آمریکا همکاری کنیم)

و زمانیکه آمریکا از دادن کمک به ایران طفره می‌رود، بقائی، می‌نویسد:

"تا چشم ما گورشود (!) بهانه‌هایی که آمریکا می‌آورد، منطقی است (!) ما چه بدی از آمریکا دیدهایم (!)" (شاهد ۲۷ شهریور ۱۳۲۸)

این بهانه‌های منطقی آمریکا چیزی جز به چنگ آوردن قسمتی از امتیاز استعماری نفت ایران نبود و البته که این "بهانه" از نظر عامل دست‌نشاندهای همچون بقائی باید "منطقی" باشد.

بقائی پس از توطئه و یورش وحشیانه ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی به آزادی‌ها در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، که موجب غیرقانونی شدن حزب توده ایران و سایر سازمانهای مترقی و دموکراتیک و دستگیری و تبعید آیت‌الله کاشانی شد، در مجلس می‌گوید:

"در اثر حوادث ۱۵ بهمن، که به حدالله و به کوری چشم دشمنان ایران، به کوری چشم کسانی که می‌خواستند ایران بی‌سرپرست و بی‌پدر شود، به خیر و خوشی خاتمه پیدا کرد و خداوند پادشاه محبوب ما را حفظ فرمود." (استیضاح مکی، بقائی حائری‌زاده در مجلس پانزدهم)

پس از بوجود آمدن زمینه‌های گسترش فعالیت امپریالیسم آمریکا در ایران، مظفر بقائی، به اشاره اربابان خود و کمک سازمان جاسوسی "سیا"، دست به تشکیل حزب به اصطلاح زحمتکشان ایران زد. هدف او، یا بهترگفته شود، هدف امپریالیسم آمریکا از بوجود آوردن چنین حزبی از پیش معلوم بود. احمدملکی، یکی از همپالکی‌های بقائی، در کتاب "تاریخچه" جبهه ملی، جریان تشکیل این حزب را از زبان بقائی، که در جریان ملاقات او با آقای دیشر، وابسته مطبوعاتی سفارت آمریکا مطرح شد، به این ترتیب بیان می‌کند:

"آقای دکتر بقائی که به زبان فرانسه باخاتم آقای دیشر سرگرم صحبت و از مشکلات کار و گرفتاریهای روزنامه خود که حتی برای آزادی اقدام به افتراق با همسر خود نموده‌اند، مذاکره می‌کردند، در این جلسه توضیحاتی در اطراف کار شبانه‌روزی خود داده و متذکر شدند.

خلاصه این طور نتیجه گرفتند که... سازمان‌های مبارزه با حزب توده از داشتن هرنوع اعتباری محروم و جراید ضدتوده هم با سرمایه‌های قلیل شخصی اداره می‌شود...

با این وضع چگونه ممکن است در مقابل تبلیغات حاد و شدید حزب توده قد علم کرد و مبارزه نمود؟...

خلاصه دکتر بقائی ثابت کرد اصلاح این امور فقط در سایه ایجاد یک حزب قوی و مترقی امکان

مصدق و آیت‌الله کاشانی بویژه به حزب توده ایران جلوگیری می‌کند.

پس از آن، بقائی با طرح ریزی و شرکت در قتل افشارطوس، رئیس شهربانی منتخب مصدق، و بوجود آوردن محیط ترور و ناامنی در جامعه، زمینه را برای کودتای خائنانه ۲۸ مرداد آماده می‌کند، و روز پس از کودتای آمریکائی - درباری در روزنامه شاهد این کودتا را "قیام مردم علیه حکومت مصدق" اعلام می‌کند. به این ترتیب ماموریت بقائی در این مرحله خاتمه می‌پذیرد.

در سال ۱۳۴۰، بقائی در دادگاه به صراحت به وظیفه‌ای که در آن سالها عهده دار آن بوده، اعتراف می‌کند و می‌گوید:

"هیچکس بقدر من و دوستانم در ایران بر ضد انقلاب مبارزه نکرده است."

آقای دکتریزدی، نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون تحقیق مجلس، در مقاله روزنامه کیهان، ۵ مردادماه ۵۹، براساس اسنادی که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در مورد جاسوسی و جنایت‌های دکتر بقائی و حزب زحمتکشان در اختیار این کمیسیون قرار دادند، می‌نویسد:

"به موجب اسنادی که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در اختیار کمیسیون تحقیق گذاشتند، ... آقای بقائی و برخی از یارانش از سالهای ۱۳۲۹ و ۳۰ با جاسوسان سفارت آمریکا در تماس بوده‌اند. این تماسها تا حدود سالهای ۱۳۵۰ نیز ادامه داشته است. به موجب این اسناد، بقائی مردی است فوق‌العاده جاه‌طلب، طرفدار آمریکا، معتاد به الکل و ادویه مخدر (کوکائین)،

پذیراست و حزب هم همه می‌دانند، بدون پول محال است رشد و توسعه پیدا کند. یا باید اشخاص مقتدری دست به کار تاسیس حزب شوند تا مردم به قصد استفاده از نفوذ و قدرت برای انجام جویج دنیوی خود مراجعه نمایند، یا پول نقد به حد کافی در اختیار باشد تا بتوانند پهلوانان روئین تن جوانی را به عضویت درآورده، با پول از زور و قدرت عضلات آنها استفاده نموده و در تظاهرات چشم دشمن را ترسانیده و در مصاف با چاقو و چوب و سنگ آنان را از میدان بدرگرد!

در این گفتگوی خصوصی با جاسوسان آمریکائی، بقائی به صراحت هدف از تشکیل حزب زحمتکشان را، که به خدمت در آوردن مزدورانی است که باید "با پول از زور و قدرت عضلات آنها استفاده نمود" و با چاقو و چوب و سنگ بتوانند "بیگانه پرستان" را از میدان بدرکنند، توضیح می‌دهد.

به این ترتیب شبان بی‌مخها برای اجرای کودتای ۲۸ مرداد تربیت می‌شوند.

این گفتگو به روشنی نشان می‌دهد که چگونه بقائی با همکاری جاسوسان آمریکائی و با کمک مادی سازمان جاسوسی "سیا" بنای حزب زحمتکشان را می‌گذارد.

پس از تشکیل حزب زحمتکشان، بقائی بطور بی‌گبر علیه جنبش ملی مردم ایران به توطئه‌چینی و تحریک دست می‌زند. او از سوئی با تیره کردن روابط میان آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق، باعث بوجود آمدن نفاق میان نیروهای هوادار مصدق و نیروهای مبارز مذهبی می‌شود و از طرف دیگر با طرح کردن افسانه "خطر کمونیسم" و "خطر شوروی" از نزدیک شدن نیروهای هوادار دکتر

برقرار ماند اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

واحد حزبی در کارخانه تراکتورسازی تبریز، وابسته به کمیته شهری تبریز

فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان:

هشدار به کارکنان تراکتورسازی تبریز

دوستان عزیز! میبمان روزهای بسیار حساسی را میگذرانید. ضد انقلاب از داخل و خارج بیوقفه در حال تدارک توطئه‌های همجانبه‌ای علیه انقلاب بزرگ میبمان است. اکنون ما شدیداً توسط امپریالیسم جهانی، سرکردگی آمریکا، در محاصره اقتصادی هستیم. از سوتی تعداد ناوگان‌های آمریکائی حامل تجهیزات سنگین ضربتی و تانکداران دریائی لخته‌به‌لخته پشت مرزهای ایران جهت تجاوزآماده میشوند. از سوی دیگر جلادان دست‌پرورده آمریکائی نظیر بختیارها، پالیزبان‌ها، اویسی‌ها و اشرف قاسد بسا یشیانی رژیم یعنی عراق با واسطه‌گری رژیم‌های دست نشانده مصر و پاکستان و اسرائیل... تمام‌توان خود را برای وارد آوردن ضربه کاری بر یکر انقلاب شکوهمند میبمان بیخ کرده‌اند و در کمین تشنه‌اند.

امپریالیسم جهانخواه آمریکا، با کمک ایادی خود - فروخته داخلی، یعنی عوامل وابسته به رژیم سرنگون‌شده، ساواکی‌ها، سرمایه‌داران وابسته بزرگ‌مالکان می‌کوشد با برجسته کردن نارسائی‌های موجود و ایجاد اغتشاش و تشنج به نفع اهداف خود بهره‌گیرد. در این میان نباید از نقش تخریبی و نفاق‌افکنانه چپ‌نمایان غافل‌گردید. همانگونه که میدانیم، هر انقلابی مشکلات و مضامین گوناگونی در پی دارد. متأسفانه در کشور ما بعزت‌تلف طولانی، عمیق و همه‌جانبه امپریالیسم آمریکا و رخنه لیرال‌ها پس از انقلاب در نهادهای انقلابی، اشغال پست - های حساس در ارگانهای دولتی، به گفته امام خمینی، انقلاب نتوانست چنانکه باید و شاید وظایف خود را به انجام رساند.

متأسفانه در یکی دو هفته اخیر تصمیمات نسیجیده بعضی از مسئولین که بدون توجه به خواست‌های کارگران و کارکنان اتخاذ شده، موجبات نارضایتی و اعتراض کارگران را فراهم ساخته است. همزمان با این تصمیمات مسئولین کارخانه تراکتورسازی تبریز، که بطور نسیجیده و بدون نظرخواهی از کارگران و کارمندان صورت گرفت، باعث تشدید نارضایتی گردید. پیوسته اقدام نادرست هیئت پاکسازی در مورد اخراج چند تن از مبارزین کارخانه، به این نارضایتی دامن زده و موجبات بوجود آمدن تشنجات روز دوشنبه گردید و آشکارا دیدیم، که چگونه ضد انقلابیون، ساواکیها، خلق

مسئولین قتل کارگران کارگاه آرکیش باید مجازات شوند

کارگران کارگاه ساختمانی آرکیش که یک شرکت تزیینی است - را میتوان از محروم‌ترین کارگران به حساب آورد. این کارگران از مزایای بیمه برخوردار نیستند، روزانه بیشتر از ۸ ساعت کار می‌کنند و از دریافت اضافه کار هم بی‌نصیب هستند. آنها بارها خواستهای قانونی و عادلانه خود را با مسئول شرکت در میان نهاده‌اند، ولی تاکنون با این خواستها موافقت بعمل نیامده است.

از طرف دیگر، مستأجران تزیینی، چند تن راننده را برای اذیت و آزار کارگران استخدام کرده‌اند. رانندگان مزدور هنگام رساندن کارگران به محل زندگی‌شان - یا ترمز زدن بی‌موقع داننا کارگران را در ناراحتی نگه‌داریند. این عمل رانندگان چندین بیتی حادثه آفرید. جریان از این قرار است که:

چندی پیش کارگران برای اینکه خواستهای خود را با مسئولین در میان نهند، سوار بر کامیون شرکت به طرف اداره کار و امور اجتماعی حرکت کردند. در این راه همان برنامه‌های آزاددهنده توسط راننده اجرا شد. او با زنگ‌سازگ رفتن و ترمز کردن محکم و بی‌موقع، مرتباً کارگران را آزاد میدان. ناگهان کامیون در دره‌ای سقوط کرد و در نتیجه سه تن از کارگران کشته شدند و پنج تن آنان هم بشدت زخمی شدند. ناگفته نماند که دوتن از کارگران قربانی، دارای زن و فرزند بوده‌اند.

کارگران کارگاه آرکیش، و بخصوص خانواده‌های قربانیان حادثه، از مقامات مسئول میخواهند که این مسئله را با پیگیری و قاطعیت هرچه زودتر دنبال کنند و مسببین واقعه را به کیفر اعمال خود برسانند.

کارکنان برق منطقه‌ای تهران خواستار دریافت حقوق قانونی خود هستند

کارکنان برق منطقه‌ای تهران از مزایایی برخوردار بوده‌اند، که اینک با قطع آنها اختلالاتی در زندگی آنها پدید آمده است. چندی پیش چندتن از نمایندگان کارکنان برق منطقه‌ای تهران ضمن گفتگویی با مدیرعامل به توافق‌هایی در این زمینه رسیدند:

۱- قرارداد حق مسکن پرداخت نشود و چیز دیگری جایگزین آن شود. (برای اینکه از طرف شورای انقلاب دستور قطع حق مسکن و اضافه‌کار صادر شده است.)

۲- در مورد پرداخت اضافه کار و جمعه کاری هم، چون این مبلغ جزء حقوق کارگران بود، با پرداخت آن موافقت شد.

۳- در مورد پرداخت حداقل جدول دستمزد کارگران، که از اول فروردین ۵۹ تاکنون پرداخت نشده بود و معادل روزی یکمصد و هشت ریال بود، هم موافقت به عمل آمد.

۴- در گذشته هرکاری که فوت می‌کرد (چهار

طی چندماه گذشته سال جاری تاکنون، چند تن از کارگران فوت کرده‌اند و بازماندگان آنها از دریافت مبلغ چهار هزار ریال و شش ماه حقوق محروم شده‌اند.

کارگران برق منطقه‌ای، که دائماً با برق سرو کار دارند، اغلب دچار برق زدگی می‌شوند و فوت می‌کنند. بجاست که مسئولین مربوطه فکری بحال بازماندگان این گونه کارگران بکنند.

اخبار کارگری

دریافت وام مسکن حق قانونی کارگران شهرک اکباتان است

چندی پیش کارگران شرکت تعاونی مسکن (شهرک اکباتان) ضمن نامه‌ای، از وزارت مسکن و شهرسازی تقاضا کردند که، وام مسکن در اختیار آنان گذارده شود.

معاون فنی وزارت مسکن طی نامه‌ای مخالفت خود را با تقاضای کارگران اعلام داشت. در این نامه ذکر شده بود که وام مسکن فقط به کارخانجات تولیدی و ثابت و صنعتی تعلق می‌گیرد، و چون شهرک اکباتان فاقد این ضوابط است، بنابراین وام به آنها داده نمی‌شود.

به دنبال این نامه، شرکت تعاونی مسکن دو نامه برای وزیر مسکن ارسال داشت. در یک نامه خواهان پرداخت فوری وام مسکن شده بود. برای روشن شدن مسئله و جهت اطلاع مقامات وزارت مسکن، نامه دیگری از طرف کارگران شهرک اکباتان به وزارت مسکن و شهرسازی ارسال شد، که کارگران خود را برای گرفتن وام مسکن و زمین کاملاً محق می‌دانند. دلایل آنها از جمله عبارتند از:

۱- در نامه وزارت مسکن به کارگران شهرک اکباتان، هیچ مصنوعیتی در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری ذکر نشده است.

۲- شرکت نوسازی و عمران تهران (شهرک اکباتان) با بودجه و مدیریت دولتی، که تحت سرپرستی آن وزارت است، اداره می‌شود و از این بابت با سایر شرکت‌های ساختمانی تفاوت دارد.

۳- بانوجه به اینکه از شروع پروژه اکباتان تا بحال (حدود پنج سال) فقط هزارواحد از کل پروژه، که شامل پانزده هزارواحد است، تحویل شده است، چه با سیستم مدیریت و برنامه‌ریزی

اطلاعیه نمایندگان کارگران صنایع نفت و گاز، پتروشیمی درباره جلسات عقد پیمان

به نام خدا - ما تاکی باید مواخه با این چهره‌های افسرده‌باشیم - ملت ایران تاکی باید منتظر باشد که شماها از آن گرفتاری‌هایی که می‌کشید در ادارات داریم، بیرون بیایید...

از فرمایشات امام خمینی در دیدار با مسئولین انقلاب

ما نمایندگان کارگران شرکت کنند در جلسات عقد پیمان جمعی سال ۱۳۵۹، که در صنعت نفت تعیین کننده روابط بین کارگر و کارفرما برای مدت معین است، به دعوت رسمی وزارت نفت در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۳۰ در تهران جمع شده‌ایم. پس از حدود یک ماه تلاش و سرگردانی و تشکیل جلسات متعددی که با مسئولان وزارت نفت و کار داشتیم، بدون نتیجه مثبت‌میسور شدیم که ریاست جمهوری هم سرانجامه کنیم و بعداً مذاکرات و نشست‌های مکرر که در دفتر رئیس‌جمهور با مشاوریین صنعتی آقای رئیس‌جمهور (آقایان، زنجانی و جعفری، پیرحسینی و غضنفری) داشتیم، باز هم نتیجه‌ای گرفته‌نشد.

آیا وزیر نفت با سلب مسئولیت از خود عملاً دعوت وزارت نفت از نمایندگان برای پیمان جمعی را با امتناع از قبول خواست‌های به حق کارگران تبدیل به زمینه‌ای برای تبلیغ ضد انقلاب کرده؟ آیا مسئولین هم به اندازه کارگران با هشیاری و دلسوزانه به انقلاب و مسائل آن برخورد می‌کنند؟ مشکلاتی که ما داریم ناشی از رژیم گذشته و سرسپرده امپریالیسم است، که در اثر برخورد تادریست به آن‌ها و نبودن روش جدی در جهت رفع آنها، هر روز تشدید می‌شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسئولین وزارت کار رونفت و همچنین دفتر ریاست جمهوری تلاش دارند که مسئولیت جوابگویی به خواست‌های ما را هر یک به گردن ارگان دیگری بیاندازند و بالاخره پس از یک ماه سلاطین‌گویی حدود ۶۵ نفر از نمایندگان سراسری صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، هیچ مقامی حاضر نشدند درخواست‌های ما را بپذیرد و به آن پاسخ ملاحظه دهد.

ما بدین وسیله به روش وزارت نفت،

اخراج بی‌دلیل کارگران به سود انقلاب نیست

چندی پیش سرپرست واحد حفاری جهاد سازندگی، بدون مشورت با شورای کارگران، حکم اخراج دوتن از کارگران را بدون هیچ دلیلی صادر کرد. این عمل او با اعتراض شدید کارگران مواجه شده است.

کارگران اخراجی، به شدت همکاران خود، همواره با نهایت جدیت کار خود را انجام میدادند و هیچ‌بانه‌ای برای اخراج آنها در دست نیوده است. ناگفته نماند که این کارگران با اظهار نظر صریح و مثبت شورای کارگران استخدام شده بودند.

کارگران از مقامات مسئول میخواهند که کارگران اخراجی را هر چه زودتر به شرکت برگردانند تا ضد انقلاب نتواند از جو متشنج در آن واحد سوءاستفاده کند.

قبل و چه با سیستم فعلی، کارگاه برای تکمیل و تحویل کل آپارتمان‌های پروژه حدود پانزده سال وقت لازم است که این مدت معادل نصف سن کاری یک کارگر (طبق قوانین موجود) است.

۴- شرکت نوسازی و عمران تهران خود از تولیدکنندگان است، که مصالح و کارهای دیگری را تولید می‌کند.

۵- شرکت تعاونی مسکن کارگران از بین خود افرادی را که واجد شرایط غیرفصلی بوده‌اند، انتخاب کرده است (حداقل ده سال اقامت و سکونت در تهران) که فرم درخواست زمین این شرکت دال بر ادعای کارگران است.

۶- با عنایت به دلایل فوق... با فرض اینکه آن مقام دلایل کارگران را کافی ندانند و مورد قبول قرار ندهند، لاف‌بازان توجه به اینکه اعضا این شرکت نیز کارگر بوده و مشمول قوانین رفاهی کارگران هستند و داشتن مسکن حق هر کارگری ایرانی است، لذا کارگران با دلایل فوق خود را کاملاً محق به داشتن مسکن می‌دانند و مصراحتاً خواستار دستور اقدام لازم هستند.

که کارفرمای اصلی ماست، و وزارت کار، که از کارگران در قبال این همه مشکلات صنفی حمایت نمی‌کند، اعتراض می‌کنیم. ما هشدار می‌دهیم که دست‌هایی در کار است که تلاش دارند ما کارگران صنعت نفت را، که حاکمان واقعی انقلاب شکوهمند اسلامی‌مان بوده و هستیم، به اعتبار بنا خواسته بکشاند و با بی‌بسیاری است به امپریالیسم و ضد انقلاب، که می‌خواهند توطئه‌های جهنمی خود را علیه انقلاب در کشور ما به انجام برسانند. ما نمایندگان کارگران صنایع نفت، گاز، پتروشیمی خواهان آنیم که هرچه سریع‌تر هیئتی تعیین و در صورت امکان با شرکت نماینده امام به این مسئله رسیدگی شود و وضع پیمان جمعی را روشن نمایند.

ضروریست به همکاران عزیز و زحمتمکش خود هشدار دهیم که متوجه هر حرکت ضد - انقلاب و عنان فرصت طلب، که تلاش دارند با استفاده از این مسئله علیه انقلاب تبلیغ کنند، با هشیاری برخورد کنند و گفته رهبر بزرگمان امام خمینی را در نظر داشته و بدان توجه نمایند، که در این شرایط هرگونه تخمین یا اعتبار و کم کاری برای انقلابمان زیان آور و خطرناک است و از هرگونه اقدامی که در وضع بحرانی کشور منجر به آشوب و اغتشاش شود، جدا "پرهیز نمایند."

ضمناً "کارگران عزیز را متوجه می - سازیم که ضعف کار مادر ققاندان سازمانهای متشکل کارگری، اتحادیه‌ها، سندیکاها و شوراهای است، که ضرورت دارد چه از نظر حفظ انقلاب و چه از نظر منافع حرفه‌ای خود، به آن توجه عاجل و فوری مبذول داریم.

در خاتمه از تاریخ انتشار این اطلاعیه، کلیه نمایندگان تهران را ترک و به حوزه ماء موریت خود رفته و از هر گونه اقدامی نسبت به پیمان جمعی سلب مسئولیت نموده و در انتظار اقدامات بعدی وزارت نفت در این مورد هستیم.

نمایندگان کارگران صنایع نفت گاز - پتروشیمی شرکت کنند، در پیمان جمعی سال ۱۳۵۹، ۲۶ مردادماه ۱۳۵۹

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد.

مسائل دهقانان از زبان نمایندگان مجلس
استاد رضا اصفهانی:

در جامعه ماتوزیع آب،
چون توزیع زمین
عادلان نیست

استاد رضا اصفهانی، رئیس کمیسیون وزارت کشاورزی و عمران روستائی مجلس شورای اسلامی، در بنای باخبرگزاری پارس، درباره مسئله زمین، آب، وام و استفاده از ماشین آلات کشاورزی، صنایع دستی و بیمه کشاورز و محصولات کشاورزی بانای برادر کرد. آقای رضا اصفهانی در خصوص مسئله زمین گفت:

" نخستین مسئله‌ای که باید به آن پرداخت، مسئله زمین است. همانطور که قبلاً اعلام شد، چند ماه قبل طرحی راجع به تصویب شورای انقلاب رسیده که مطابق آن جلوی بسیاری از ناهمواری‌هایی که در مورد بهره‌برداری از زمین وجود داشت، گرفته شد و متذکران مسئله علی که، شاید مهم‌ترین آن خود کابکی و بی‌توجهی برخی از هموطنان به مسئولیت‌های محوله باشد، عده‌ای برخلاف آنچه که در طرح آمده و طبقه تقسیم زمین را برعهده هیئت‌های هفت نفره گذاشته، خودشان را با اقدام به ضبط و تقسیم زمین کرده‌اند و با این رفتار غیرمسئولانه وضعی را بوجود آورده‌اند که مردم راه این طرح اسلامی، که مورد تأیید افرادی چون فقیه‌العالم قدر آیت الله منتظری و آیت الله مشکینی هم هست، بدین بگردد. با آنکه بر اساس بخشنامه ریاست جمهوری می‌بایست جلوی اینگونه کارها گرفته می‌شد و مقامات انتظامی از اینگونه بی‌فانوسها موظف بودند جلوگیری کنند و گزارش‌های مردم را با اقدام خودسرانه بکنند، ولی بازم با کمال باساف کم و بیش دیده می‌شود که به برخی از زمین‌هایی که چه‌سامشول تقسیم نمی‌شود، تجاوز کرده‌ویا از طرف خود آنرا تقسیم کرده‌اند. بهرحال کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی منتظر اقدام هرچه جدی‌تر مقامات مسئول در این باره است."

در مورد مسئله آب، آقای رضا اصفهانی، با تکیه به توزیع ناعادلانه آب گفت:

" این موضوع در صدر نیازهای کشاورزی قرار دارد. در جامعه ماتوزیع آب، چون توزیع زمین، غیر عادلانه است و چه‌سا کسان هستند که دهها حلقه چاه عمیق بدون استفاده در اختیار دارند و میلیون‌ها کشاورز برای تامین حداقل آب مورد نیاز خود با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند. به هر حال این کمیسیون سعی خواهد کرد به موازات حل مسئله زمین، مسئله آب را نیز بطور عادلانه حل کند و شرایطی بوجود آورد که با ایجاد و تکمیل سد هایی که متأسفانه سالهاست نیمه‌کاره مانده‌است، جلوی بهره‌برداری آب‌ها را بگیرد و آب را به مکان‌های قابل کشت ببرد و با احیای قنوات بتوانیم بسیاری از احتیاجات آبی کشاورزی را پاسخ گوئیم و خلاصه اینکه جامعه ما علاوه بر اصلاحات ارضی، نیاز مبرمی هم به اصلاحات آبی دارد و به موازات طرح اصلاحات ارضی طرح اصلاحات آبی نیز به مورد اجرا گذاشته خواهد شد."

استاد رضا اصفهانی سپس به موضوع وام اشاره کرد و گفت:

" متأسفانه پس از انقلاب در توزیع وام‌های کشاورزی عدالتی برقرار نشد و برخلاف انتظار مردم نه تنها عدالت برقرار نشد، برخی از کشاورزان با مشکلات بیشتری نیز مواجه شدند، تا آنجا که برخی با استفاده از روابط، میلیون‌ها تومان به عنوان وام کشاورزی می‌گرفتند و در برابر میلیون‌ها تن از برخوردارانی از حتی ۶ تا ۱۰ هزار تومان وام محروم بودند."

استاد رضا اصفهانی آنگاه با تأکید بر این مطلب که، مسئولین گاهی برای دادن وام‌های کوچک به کشاورزان محروم دهها اشکال می‌تراشند، گفت:

" من خود بارها و بارها ناظر این مسئله بوده‌ام و فریادهای آنهمه جمعیت محروم بردل‌سخت مسئولین امر انری نداشت و هم‌اکنون وضع چون گذشته است. و امیدوارم این کمیسیون بتواند این درد بزرگ جامعه کشاورزان را تا حد امکان برطرف سازد."

استاد رضا اصفهانی آنگاه به مسئله خرید محصولات کشاورزی اشاره کرد و گفت:

" از دیگر مسائل خرید محصولات کشاورزی باقیمت مناسب از کشاورزان است، بطوریکه آنها تشویق شوند، نه آنکه دچار یاس و ناامیدی گردند و برای این کار دولت باید هرچه زودتر دست سلف خره‌او دلالان استثمارگر را کوتاه سازد و تا آنجا که امکان دارد کالای آنها را خریداری کند و به مصرف کنندگان عرضه نماید."

استاد اصفهانی سپس در مورد مسئله استفاده از امکانات ماشینی، مانند تراکتور و کمباین و نظایر آنها گفت:

" امیدواریم با ارائه طرح‌هایی شرایطی به وجود آید تا کمبود این وسایل از میان برداشته شود. البته مسائل دیگری از قبیل دادن وام‌هایی چون

آشنائی با مشکلات روستائیان لاله دشت

روستائیان قرارداد، انجام نداده‌است. اهالی این روستا از لحاظ روغن و ناند و بسیاری از مواد مصرفی در مضیقه به سر می‌برند.

جاده این روستا خراب است. به همین خاطر صاحبان وسایل نقلیه، به خصوص موتورهای مسافر-کشی، گرایه زیادی از کشاورزان مطالبه می‌کنند. نامه حال چندین بار مردم این روستا از مقامات بالا تقاضای اسفالت این جاده را کرده‌اند، اما هر بار بی جواب مانده‌اند.

در این روستا و روستاهای مجاور آن خبری از لوله کشی آب نیست. جاده‌های اکثر این روستاها، که آتش به مصرف خوردن می‌رسد، کم عمق است و این خطر را در بر دارد که در موقع مصرف کود - شیمیائی و سموم دیگر، در برنجزارها آب این جاه‌ها به این نوع مواد سمی آلوده شود، که خطرات جانی در بر دارد.

در این روستا حمام وجود ندارد. یکی از اهالی در این باره می‌گوید:

" بول کجاست، که ما هر بار برای حمام برویم شیر؟ چرا دولت وسائلی فراهم نمی‌کند که ما این فرجه دینی را، اینک در درجه اول انسان باید تمیز باشد. بجای آوریم؟ اینک نه حمام داریم، نه بهداشتی، و برای هر چیز کوچکی باید بلند شویم برویم شهر. آخر این هم شد زندگی؟ ماها برای یک بیماری کوچک هم باید برویم فلان قدر خرج کنیم بسیاری از خانه‌های مسکونی این روستاها از کولوش (ساقه برنج) ساخته شده‌است، که برف و باران به آسانی در آن نفوذ می‌کند و در نتیجه خطرات جانی در بر دارد."

با آنکه قبلاً از اهالی این روستا جهت برق-کشی بول دریافت کرده‌اند، اما هنوز که هنوز است در این روستا برق نیست.

در این روستا گرم آبیرش هم داده‌مشود، اما با نام، زحمتی که کشاورز برای این کار می‌کند، بول کمی نصیبش می‌شود.

دولت باید توجه بیشتری به نقان داران (پرورش دهندگان کرم ابریشم) بکند. یکی از اهالی راجع به نحوه فروش محصولات می‌گوید:

" ما هر ساله که می‌خواهیم محصول خود را بفروشیم، باید برویم شهر، که برای ما بسیار گران تمام می‌شود. از یک طرف گرایه حمل و نقل، از طرف دیگر هزینه خودمان، گرایه قبان (ترازو) برای وزن کردن برنج، و مقداری هم به عنوان دست‌کم می‌شود. نزدیک به ۱۰٪ از کل محصول برنج ما کاسند می‌شود. ما از دولت انتظار داریم، به وسیله مؤسسه‌ای، خودش بیاید در روستاها برنج مارا بخرد. تا این همه ضرر دامنگیر ما نشود."

اهالی این روستا از لحاظ کمبود سیمان در مضیقه هستند. آنها سیمان را گاهی به قیمت ۷۰ تا ۶۰ تومان از بازار آزاد می‌خرند. در خیلی از مواقع به علت نداشتن سیمان، خانه‌های مسکونی را نیمه‌کاره می‌گذارند. چون توان خرید آنرا ندارند.

خواسته‌های عمده روستائیان لاله دشت و روستاهای مجاور آن چنین است:

- ۱- تکمیل ساختمان بهداشتی روستای لاله دشت و ایجاد حمام و لوله‌کشی آب.
- ۲- برق رسانی به این روستاها.
- ۳- اسفالت جاده شنی.
- ۴- دادن وام‌های درازمدت به کشاورزان به مقدار کافی و بدون بهره و همچنین کود و سموم لازم.
- ۵- رسیدگی سریع به وضع خوش نشین‌ها، تقسیم زمین مازاد بین آنها.
- ۶- خرید محصول کشاورزان از طرف دولت به قیمت مناسب و ایجاد شرکت‌های تعاونی توزیع و کالا در روستاها.
- ۷- دادن سهمیه سیمان به روستاهای این منطقه.
- ۸- دادن اعتبار لازم به نقان داران جهت پرورش کرم ابریشم.
- ۹- امینداس دولت انقلاب هرچه زودتر خواست-های این روستائیان را برآورده سازد.

به روستای لاله دشت، در ۴ کیلومتری رشت و ۵ کیلومتری کوچصفهان می‌رویم. این روستا فاقد بسیاری از وسایل رفاهی اولین زندگی است. شغل اصلی مردم این روستا روستاهای مجاور آن، کشت برنج است، که اسسال به علت دیر رسیدن کود شیمیائی وضع برنج‌ها چندان مرغوب نیست. کشاورزان مجبور هستند کمبود کود خود را خیلی بیشتر از قیمت معمولی آن از بازار آزاد بخرند. حتی دولت به قیمت مقدار کودی که اسسال به کشاورزان داده، از هر کلوگرافی ۳۰۰ ریال، نسبت به سال گذشته، اضافه کرده است.

این روستا دارای ۱۰۰ خانوار است، که ۱۰ آن را خوش نشینان تشکیل می‌دهند. در حالی که افرادی در این روستا وجود دارند، که زمین آنها مازاد احتیاج آنهاست، خوش نشینان بسیاری در این روستا و روستاهای مجاور وجود دارند، که در وضع بسیار بدی زندگی می‌کنند. دولت تاکنون کوچکترین اقدامی در جهت رفاه آنها، به عمل نیاورده‌است. یکی از خوش نشینان می‌گوید:

" ما زمین نداریم. کار هم که بیدانی‌شود، چگونه باید زندگی خود را بگذرانیم؟"

وامی که اسسال به کشاورزان این منطقه داده‌اند بسیار ناچیز است. در واقع به هر کس به مقدار زممش وام داده‌اند، که بطور متوسط به هر جریبی ۱۰۰۰ تومان رسیده است. در حالی که کشت و برداشت محصول در هر جریب ۳ برابر خرج بر-میدارد. یکی از کشاورزان می‌گوید:

" دولت فکر نمی‌کند ما بفضه بول را باید از کجا بدست آوریم، با این گرانی سرسام آور و بیگاری؟"

شرکت تعاونی این روستا و روستاهای مجاور نمی‌تواند نیازهای مردم را برآورده سازد. در حالی که گرانی در این روستاها بدتر از شهرهای دیگر است. متأسفانه شرکت تعاونی هیچگونه کاری برای آنکه وسایل کشاورزی را به قیمت ارزانی در اختیار

زمین و کمبود آب عامل رکود کشاورزی و مهاجرت دهقانان است

بین آباد - پشتکوه تفت

این روستا در ۱۱۰ کیلومتری جنوب غربی شهرستان یزد و در یک کیلومتری جاده کرمان- شیراز قرار دارد و یکی از توابع بخش پشتکوه تفت است.

این روستا حدود ۱۸ نفر جمعیت دارد، که اکثر آنها بدلیل کمبود آب کشاورزی، به شهرهای دیگر حتی بخارچ، منجمله کویت، برای تهیه مخارج زندگی مسافرت میکنند و فقط چند ماه از سال را در روستا می‌سیرند.

مشکل عمده اهالی، چون دیگر روستاهای منطقه، کم آبی است. از محصولات منطقه بطور عمده بادام و تا حدودی کدو و جوجوب میوه را میتوان نام برد. شغل زنان روستا، اکثرًا قالیبافی است و برخی نیز به کشاورزی و چرانیدن دامها می‌پردازند. مردان روستا بطور عمده در خارج از روستا بکار اشتغال دارند (کویت) و عده کمی از آنها (بهر مردان) به کشاورزی مشغول هستند.

هر خانواده در حدود ۵۵-۱۰۰ راس بزر و میش در اختیار دارد، که شیر و ماست روستا از همین دامها تا مین میشود.

این روستا فاقد هرگونه امکانات رفاهی است و حتی حمام ندارد. آب آشامیدنی اهالی از قنات تا مین میشود، که غیر بهداشتی است. درمانگاه و برق هم که جای خود دارد. مدرسه چهار کلاس روستا در خانه یکی از اهالی قرار دارد. دانش‌آموزان بعد از اتمام کلاس چهارم دبستان، باید برای تحصیل به روستاهای اطراف بروند. لازم است تا خصمانی برای مدرسه احداث شود، چون خانه‌ای که قبلاً بعنوان مدرسه از آن استفاده می‌شود، مسکونیست و نمیتوان از آن برای همیشه استفاده کرد.

لازم به تذکر است که با کمک جهاد سازندگی، چند کامیون آجر برای احداث مدرسه آورده شده است، لیکن از ساختن مدرسه خبری نیست.

در اطراف این روستا، روستاهایی قرار دارند که، در اثر خشک شدن قنات آب، بصورت مخروبه درآمده و اهالی آن روستاها به شهرها و دهات دیگر مهاجرت کرده‌اند. این سرنوشت اکثر دهات منطقه است.

تأیید با اقدامات اساسی منکل کمبود آب در این منطقه را حل کرد و بدین ترتیب بخشی از نیروهای کار را، که ساکنان از حوزه تولیدی کشور خارج نده، مجدداً به کشور بازگرداند.

مسئله زمین در چهار ده را به تفع زحمتکش حل کنید.

در تاریخ ۵۹/۵/۴ پیش ازینجا به نغز اهالی روستای چهار ده (واقع در حدفاصل کردکوی و کرکان) مرکب از مردوزن و کودکان، در مقابل دادگاه انقلاب شهرستان کرکان تجمع کردند.

خواسته‌های روستائیان، که نماینده پیش ازین در خاها را از اهالی هستند، آزادی یا زده نفر از کاشان چهار ده است، که پیش از یکماه است بجرم ایجاد درگیری در ندامتگاه کرکان سر می‌برند.

علت درگیری مربوط به سال‌های قبل از انقلاب است، که طی آن به نغز اهالی کردکوی زمینهای زراعتی روستا را (بالغ بر بیش از ۱۰۰۰ هکتار) از روستائیان می‌خرند. بعد از انقلاب روستائیان خواستار بازگشت و استرداد زمینهای خود شدند. ولی صاحبان زمین، که از زمینهای روستائیان سؤقرافی اندوخته‌اند، حاضر به پس دادن زمین به روستائیان نشدند، و این عمل موجب درگیری گردید، که طی آن زده نفر از اهالی، بجرم ایجاد درگیری دستگیر شدند و هم‌اکنون پیش از یکماه است که در زندان سر می‌برند. یکی از زوستائیان در این باره می‌گوید:

" زندانیا ن در این سرور فرزند دارند. آنها کشا و رزندوبی بکار رکنند، تا به خرج خانه خود برسند، الان بیش از یکماه است که مقرر معلوم شود."

مسئله زمین در این روستا باید مطابق قانون و آئین نامه اجرائی آن، به نفع زحمتکش حل شود. فقط با استقرار امنی و امنیت میتوان به امر تولید پرداخت. زمین و رفاه روستائیان در روح انقلاب نهفته است. حق را به حق دار برسانید و زمین را به دهقان زحمتکش!

گوسفند و مرغ به کشاورز است که هر زارع، علاوه بر کار زراعت، از چند مرغ و دام برخوردار باشد. این مسئله وقتی عمومی شود، بسیاری از نیازهای داخلی را تقلیل خواهد داد.

در مورد صنایع دستی، نیز این مسئله باعث می‌شود که کشاورز و فرزندان او در ساعات بیکاری به کار تولید صنعتی بپردازند و تنهائی به کشاورزی نباشند، تا اگر خدای نکرده کشاورزی آنها دچار شکلی شد، در مضیقه قرار نگیرند."

استاد اصفهانی آنگاه گفت:

" مسئله دیگر بیمه کشاورز و محصولات کشاورزی است، که این نیز در حد خود بسیار حائز اهمیت است."

استاد اصفهانی دریایان بکار دیگر از صاحب نظران در امر کشاورزی خواست که:

" این کمیسیون را در راه حصول به این خواسته های مشروع اسلامی هرچه بیشتر یاری دهند تا کشاورزی را به مرحله عالی برسانیم."

(صح آزادگان ۵۹/۶/۳)

دهقانان کم زمین و بی زمین!

باتسکیل کمته‌های خود و تاکنه به پاسداران متعهد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سر برآورد و شما جرا شود



یادداشتی بر فیلم « مبارزین باسک »

ساخته جیلوپوته کوروو

مثبت‌ترین پیام فیلم نمایش دهنوع مذهب است، که پوخته کوروو با هنرمندی آن را ارائه می‌دهد: یکی مذهب ستم‌دیدگان و دیگری مذهبی که پایه‌های حکومت فرانکو را مستحکم می‌کند. کشیشی در کلیسا به شاگردانش درس مبارزه می‌آموزد بگروه‌هایی که برای آزادی باسک می‌روزمند می‌پیوندند و سرانجام برای مبارزه جان می‌بازند. کشیشی دیگر برای گاررو بلانکو نخست وزیر فرانکو موعظه می‌کند.

یک مذهب، کودکان را بسوی مبارزه با ظلم و جور نظام فرانکو سوق می‌دهد و از کلیسا به منظور آموزش انقلابی آنها سود می‌جوید. و مذهب دیگر کلیسا را به مکانی برای عوام فریبی‌های ارگانهای حکومتی تبدیل می‌کند.

در فیلم جالی، که پس از رژیم فرانکو نیز به شیوه‌های ترویجی معتقد مانده است، در یک درگیری با دوماور مسلح پلیس، زخمی می‌شود و سپس در صحنه غم‌انگیز مرگ بیهوده او روی تخت بیمارستان، بی‌هوگی جریانه‌های سکتاریستی نشان داده می‌شود. صدای "ارگ" کلیسا مرگ ایدئولوژی سترون او را اعلام می‌کند.

فیلم مبارزین باسک، که بسیاری از مسائل اساسی را در سایه می‌گذارد، و از نظر فضا تقریبی بعضی از صحنه‌ها ضعیف است، در بررسی روابط درونی گروهی که یک مأموریت چریکی را تعقیب می‌کند، و همچنین نمایانندن مناسبات احساسی بین یکی از این افراد و همسرش موفق و درخور تماشا است.

اورا بگیرد. در صحنه‌ای از فیلم، که جالی از رهبر کارگران اعتصابی می‌طلبد که به گروه آنها کمک کند، نکته آموزنده‌ای نهفته است: رهبر کارگران، که ۳۰ سال دزدان و درآزادی، به مبارزه اصولی و بیگانه، توأم با شکیبایی انقلابی، پرداخته است، در جواب او، با حرف‌های ساده خود، این مفهوم عمیق را ارائه می‌دهد که: " ما را به شور و شوقهای هیستریک نیازی نیست. آنچه برای ما لازم است، گام‌های موزون گردان‌های آهنین پروتاریاست."

پوخته کوروو در همین صحنه این مسئله مهم را رها می‌کند. آنچه برای کارگردان جالبتر به نظر می‌رسد، مناسبات درونی این گروه در چهار دیواری خانه‌های تیمی است. برای تماشاگر حتی علت همکاری کارگر، که همانا بدلیل اعتقاد او به همکاری و همگامی همه نیروهای ضدفاشیست است، در حال‌های از ابهام باقی می‌ماند.

کارگردان به کندوکاو روحیات روشن‌فکران جدا از توده، که خیال پردازند و ایدئولهای ذهنی خود را به جای واقعیات زنده زندگی می‌نشانند، ادامه می‌دهد. آنها خود را هر بیلمای از باورهای ذهنی پیچیده‌مانند، روند تکامل اجتماعی را، که قانونمندان و مستقل از شعور آنها شکل می‌گیرد، درک نمی‌کنند و عملاً به نقش عظیم توده‌ها اعتقاد ندارند. در صحنه‌ای از فیلم جالی می‌گوید: " این مردم بی‌غیرتند!"

فرانکو پس از ددمنشی‌های بیشمار و به خاک و خون کشیدن مردم مهربان دوست و آزادیخواه، سرانجام در آوریل ۱۹۳۹ قدرت را در اسپانیا بدست گرفت (درست ۵ ماه قبل از آغاز جنگ جهانی دوم). جیلوپوته کوروو در فیلم مبارزین باسک جزئی بسیار کوچک از وقایع اسپانیا - عملیات یک گروه چریکی از اهالی باسک - را به تصویر درآورده است.

ایالت باسک، که در دوران جمهوری به صورت خودمختار اداره می‌شد، در ژوئن ۱۹۳۷ به خون کشیده شد و پس از استقرار نیروهای فرانکو در این ایالت، حتی تکلم به زبان بومی نیز قدغن گردید. ولی مردم باسک دست از مبارزه برنداشتند. مبارزان باسک بنا بر مواضع طبقاتی و تجربی و دانش سیاسی خود، به شیوه‌های مختلف، مبارزه را ادامه دادند.

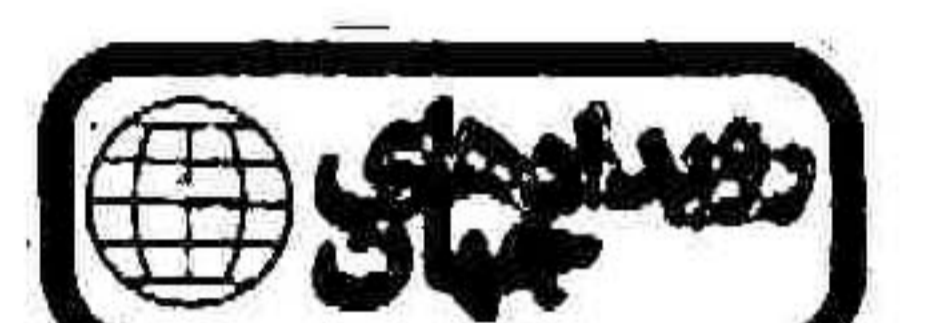
فیلم برسال ۱۹۷۸ گنوده می‌شود. رژیم فرانکو به همراه خودش دفن شده است. عده‌ای از رزمندگان، شیوه‌های قدیمی مبارزه را رها کرده‌اند و عده‌ای دیگر بر شیوه‌های گذشته پای می‌فروشند. فیلم با ملاقات زن و شوهری، که بعثت جذائی راه‌های سیاسی‌شان، مدتی است جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، شروع می‌شود و سپس دوربین به گذشته باز می‌گردد: ۱۹۷۳، زمانی که هردو عضو یک گروه چریکی بودند. با این تفاوت که "جالی" - شوهر - مواضعی ماجراجویانه‌تر از بقیه گروه دارد. تکیه کارگران روی این شخصیت، تماشاگر را در این ابهام نگاه می‌دارد که گویا می‌گردد صحیح است. ولی این شخص مواضع چپ‌روانه نادرستی دارد. حال آنکه کل حرکت گروه زیر علامت سؤال است. آنها با وجود صداقت عمیق، تهور جان‌نازانه و فدکاری پرشور، تصامی برنامه‌شان محدود به ربودن و سپس ترور یکی از اهرم‌های حکومت فرانکو است، تا "پست فطرتی برود و پست فطرت دیگری جای

فیلم مبارزین باسک، به کارگردانی جیلوپوته کورووی برده است. از آنجا که فیلم به اسپانیای دوران فرانکو مربوط می‌شود، نظری اجمالی به گوشه‌هایی از تاریخ این کشور ضرور می‌نماید. پس از یک انتخابات دمکراتیک در فوریه ۱۹۳۶، جمهوریخواهان (اتحادی از کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها و سایر نیروهای ملی و مترقی در "جبهه خلق") قدرت را در اسپانیا بدست گرفتند.

بعجاز پیروزی عظیم "جبهه خلق" در انتخابات، نیروهای راست گرا، یعنی نمایندگان کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، که در "جبهه ملی" متشکل شده و از حمایت انحصارهای امپریالیستی آلمان، انگلستان و ایتالیا نیز برخوردار بودند، به تکاپو افتادند، به انواع عملیات خرابکارانه برضد رژیم جمهوری دست زدند. آنها ژنرال فرانسیسکو فرانکو را به منظور انجام یک کودتای نظامی تقویت کردند. این دوران مصادف با اوج قدرت هیتلر در آلمان و موسولینی در ایتالیا بود. نیروهای "فالانژ"، تحت فرماندهی فرانکو با کمک همه جانبه هیتلر و موسولینی و تایید ضمنی امپریالیستهای امریکایی و انگلیسی و فرانسوی به‌کشتار فجیع آزادیخواهان پرداختند.

در طول جنگ‌های داخلی اسپانیا، انقلابیون این کشور از کمک‌های همجانبه و بی‌شائبه همه احزاب کمونیستی و کارگری و به ویژه اتحاد شوروی، نخستین و تنها کشور سوسیالیستی در آن زمان برخوردار بودند. چندین کشتی اتحاد شوروی که حامل اسلحه و آذوقه برای جمهوریخواهان بودند، توسط زیردریایی‌های انگلیسی و آلمانی به قرق اقیانوس فرستاده شدند. چریک‌های انترناسیونال، که به دستور کمیتن به این کشور اعزام شده بودند، در سنگرها شانه به شانه جمهوریخواهان می‌رزمیدند. با این همه، رژیم

مردم لهستان بانگرانی به فعالیت عناصر ضد سوسیالیستی می‌نگرند



بخش‌های گسترده‌ای از طرف اعضای حزب متحد کارگر لهستان و کارگران لهستان در پاره تاج پلوم کمیته مرکزی در سرتاسر کشور در جریان است. در این بخشها تصمیمات پلوم، و اقدامات موثر برای فائق آمدن بر مشکلات جاری مورد تصویب قرار گرفته است. روزنامه تریبونالو، ارگان مرکزی حزب متحد کارگری لهستان عملیات بانگرا که عوامل ضد سوسیالیستی را که میخواهند کشور را از راه انتخاب شبه منحرف شنیدنا محکوم کرده است. خبرگزاری تلی اعلام کرده است که مردم لهستان با نگرانی به فعالیت این عناصر ضد سوسیالیستی می‌نگرند. تلی اضافه کرد که رسانه‌های گروهی یوزواری قش تحریک‌کننده‌ای اینها و تشا سخنان و شایعات باصطلاح تلرایی هارا گزارش می‌دهند. این رسانه‌ها یوزوه در آلمان فدرال تفسیرهای انتقامجویان آلمانی را منتشر کرده و تا آنجا پیش رفتند که از تفسیر مرزها در اروپا سخن می‌گویند و شهرهای لهستانی را با اسامی آلمانی منتشر میکنند، مثلا گدانک را هاترناک می‌نامند.

رهبر کلیسای السالوادور خواهان لغو حکومت نظامی است

در السالوادور، خون‌تای نظامی ولسته به آمریکا، سرکوبگری خود را تشدید میکند، بگزارش سندیکای کارکنان شرکت شیدروا نرژتیک رودملبا، که در جریان سرکوب اعتصاب اخیر برق کاران، بهش از مدودوا زده تن، از جمله خوزه آنولویو گوانده و هکتور برناده، دوتن از رهبران "فدراسیون زحمتکشان السالوادور" با زداشت شدند، نظامیان همه گستره‌های زندگی مردم را زیر نظر خود درآورده‌اند. در سان سالوادور پار دیگر جسد پنج تن از قربانیان عملیات تروریستی با ندهای راستگرای شبه فاشیستی، که از سوی دولت تشویق می‌گردند، کشف شد. در سان سالوادور، ما سندنیدیکر شهرهای السالوادور حکومت نظامی برقرار است و نظامیان و پلیس در شهرها س می‌دهند. آرتورو ردها ایداماس، بزرگ اسقف سان سالوادور و رهبر کلیسای السالوادور، سیاست اختناق خون‌تای حاکم را شنیدنا محکوم ساخت و خواستار شد که حکومت - نظامی لغو گردد و نظامیان ادا رات غیر نظامی را ترک گویند.

سوریه و اتیوپی حضور نظامی امریکارا در اقیانوس هند و دریای سرخ محکوم کردند

مذاکرات رهبری سوریه با وزیر خارجه اتیوپی در دمشق پایان یافت. سوریه و اتیوپی اوضاع خاورمیانه و قاره آفریقا را مورد بحث قرار دادند و سیاست امپریالیسم امریکا را، که حضور نظامی خود را در اقیانوس هند و منطقه دریای سرخ افزایش می‌دهد، محکوم کردند. دو کشور موافقت کردند که روابط سیاسی در سطح سفارت میان خود برقرار کنند. سوریه و اتیوپی تاکید کردند که پایگاه‌های نظامی امریکا در شمالی و دیگو گارسیا تهدیدی علیه خلق‌های منطقه است. وزیر خارجه اتیوپی در مصاحبه‌ای با خبرنگاری سوریه از نتایج مذاکرات در دمشق ابراز رضایت کرد و تاکید نمود که دیدار وی از سوریه تلاش‌های دو کشور را برای صلح، پیشرفت و آزادی گسترش خواهد داد. وزیر خارجه اتیوپی سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه اقیانوس هند و دریای سرخ را محکوم کرد و گفت که هدف این سیاست سرکوب جنبش آزادیبخش ملی در منطقه است. وزیر خارجه اتیوپی از سیاست سوریه، که هدف آن خنثی کردن توطئه خائنه کمپ دیوید است، ستایش کرد.

لیبی تبدیل سومالی به پایگاه نظامی امریکا را محکوم کرد

وزارت خارجه لیبی با انتشار بیانیه‌ای موافقت نامه اخیر امریکا و سومالی را در مورد استفاده نیروهای تجاوز کار امریکا از پایگاه‌های سومالی شنیدنا محکوم کرد و اقدام رژیم سومالی را مقابله با منشور سازمان وحدت آفریقا خواند. وزارت خارجه لیبی دریانیه خود تاکید می‌کند که پایگاه امریکا در بربره تهدیدی جدی علیه منطقه است و همه می‌دانند که هدف امپریالیسم امریکا آنست که اعراب و خلق‌های آفریقا را وادار به تسلیم سازد.

تظاهرات ضد نژادپرستی در آمریکا

دو روز است که در شهر آمریکا بی‌ما نیوز (ویرجینیا)، علیه خشونت‌های پلیس نژادپرست آن شهر تظاهرات برپا میشود. مردم در این تظاهرات اعتراض خود را نسبت به قتل یک جوان سیاهپوست، بنام مایکل جونز، ابراز می‌دارند. مقامات امنیتی به تقویت نیروهای پلیس دست زده‌اند. سه ماه پیش در جریان اعتراضات ضد نژادپرستی در میامی، بیست تن کشته شدند.

در جهان سرمایه‌داری

«ننگی برای ملت»

مطبوعات اقتصادی ایالات متحده آمریکا چندی پیش سود ده کمپانی نفتی بزرگ آن کشور را در چهاره سوم ۱۹۷۹ منتشر ساختند. جدول زیر، فزون بر این آمار، همچنین درصد افزایش این ارقام را در مقایسه با بیکره‌های چهاره سوم سال ۱۹۷۸ نشان می‌دهد: کمپانی سود چهاره سوم درصد افزایش به ۱۹۷۹ (به میلیون) نسبت ارقام چهاره سوم ۱۹۷۸

آرکو	۲۲۰/۴	۴۰
آموکو	۴۳۲/۸	۴۰
شل	۳۹۳/۳	۶۲
سوکال	۵۷۶/۰	۷۳
کالف	۲۱۶/۰	۹۷
اکسون	۱۱۴۵/۰	۱۱۸
موبیل	۵۹۵/۰	۱۳۱
کونوکو	۲۴۷/۱	۱۲۵
سوهايو	۳۶۶/۲	۱۹۰
تکراکو	۶۱۲/۲	۲۱۱

تاماس اونیل، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا این ارقام را "ننگی برای ملت" خواند. سناتور جان درکین گفت که باید درباره بند وبست‌هایی که به چنین سودهای کلانی انجامیده است، تحقیق شود و آنها را با اقتضای وانتریکت مقایسه کرد. جیمز آرچولتا، نماینده "اتحادیه کارگران صنایع نفت، شیمیایی و فرآورده‌های هسته‌ای" معتقد است که، این ارقام چیزی کمتر از "بورنو گرافی" ناب نیست.

اتحاد شوروی برای پاسداری از صلح بار دیگر ابتکار را بدست می‌گیرد

در اطلاعیه‌ای که کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تاکید شده است که کشورهای سوسیالیستی کوشش دارند که همه مسائل مورد اختلاف از راه گفتگو حل گردد. اطلاعیه‌ها مورد بهره می‌افزاید: "اتحاد شوروی پیشنهادهای مشخصی در مذاکرات وین پیرامون کاهش نیروهای مسلح و تسلیحات در اروپای مرکزی مطرح ساخته و درباره آغاز گفتگو راجع به سلاح‌های موشکی هسته‌ای میان برادراروپا نیز ابتکار از خود نشان داده است. اتحاد شوروی پیشنهاد کرده است، که این مذاکرات در پیوند گسترده‌تر پذیرا با بررسی مسئله جنگ افرایا هسته‌ای امریکایی مستقر در خط مقدم انجام گیرد. پاسخ مثبت به این ابتکارات از سوی دولت‌های غربی راه راستین تحدید مسابقه تسلیحاتی را خواهد گشود."

در جهان سوسیالیسم

شماره زنان و مردان دیپلمه و لیسانسیه در اقتصاد ملی اتحاد شوروی تقریباً برابر است

شماره زنان در اتحاد شوروی برابر با ۱۴۰/۱ میلیون، یعنی ۱۷/۸ میلیون بیش از مردان است. علت نابرابری شماره زنان و مردان را در درجه نخست در پیامدهای جنگ دوم جهانی باید جستجو کرد. در این جنگ، ۲۰ میلیون شهروند شوروی، که اکثریت عظیم آنها را مردان تشکیل میدادند، جان سپردند. بموجب سرشماری سال ۱۳۳۸، در آن هنگام شماره زنان ۲۰/۷ میلیون نفر بیشتر از مردان بود، در حالیکه در سرشماری سال ۱۳۱۸ این عدد تنها ۸ میلیون بود. بدین ترتیب اختلاف بین شماره زنان و مردان بتدریج روبه کاهش می‌رود و هم‌اکنون در سنین پائین‌تر از پنجاه سال تقریباً بچشم نمی‌خورد. پیامدهای جنگ همچنین در آهنگ تولید نمایان میشود. کاهش سریع شماره نوزادان سال‌های جنگ (۲۴-۱۳۲۰) در سالهایی که آنها به سن ازدواج می‌رسیدند، تکرار گردید. در سال ۱۳۴۸، ۴۰۸۷۰۰۰ نوزاد در اتحاد شوروی چشم به جهان گشودند. بمسخر دیگر، آهنگ تولد ۱۷ در هزار بود. این رقم اکنون ۱۸/۲ در هزار است. اما آمارگران معتقدند که کاهش آهنگ تولد تا اوایل دهه بیست و یکم چندین بار تکرار خواهد شد. بموجب سرشماری سال ۱۳۴۹، از هر هزار زن شاغل در اقتصاد ملی، ۶۵۱ نفر دارای تحصیلات متوسطه و دانشگاهی بودند. در سال ۱۳۵۸، این بیکره به ۸۰۱ رسید. ارقام مشابه برای مردان بترتیب ۶۵۴ و ۸۱۰ است.

اتحاد شوروی برای پاسداری از صلح بار دیگر ابتکار را بدست می‌گیرد

در اطلاعیه‌ای که کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پیرامون ملاقات‌های رهبران احزاب و کشورهای مجارستان، چکسلواکی، لهستان، رومانی، بلغارستان، جمهوری دمکراتیک آلمان، لائوس و مغولستان با لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی و صدر شورای عالی اتحاد شوروی در کریمه، انتشار داد، برای این دیدارها ارزش فراوان قائل شده است. در این اطلاعیه آمده است: "نتایج دیدارها و گفتگوهای کریمه و مذاکرات اتحاد شوروی و ویتنام در مسکو در تقویت جامعه کشورهای سوسیالیستی نقش بزرگی بازی خواهد کرد. این دیدارها با ردیگر نشان داد، که کشورهای سوسیالیستی، پاسداری از صلح و تنش‌زدایی

استحکام و گسترش روابط سوریه با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای

سوسیالیستی

مبارزه بر ضد امپریالیسم و در راه استقلال بهره‌مند شوند.

تجربه همین کشورهای عربی در مبارزه علیه امپریالیسم و در راه استقلال ملی باز دیگر ثابت کرد که آن رژیم‌های میثروانند مبارزه در راه تأمین استقلال ملی را به انجام برسانند، که در مواضع ضد امپریالیستی خود اصولی، قاطع و آشتی‌ناپذیر باشند و در عین حال بتوانند میان دوستان و دشمنان واقعی انقلاب و استقلال ملی خلقها مرزبندی مشخص و اصولی قائل شوند. تصمیمات پلنوم کمیته مرکزی حزب پست سوریه و تصمیمات کشورهای عضو جبهه یابرداری و سازمان آزادیبخش فلسطین در زمینه توسعه و استحکام روابط و همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی موید همین تجربیات است، که کشورهای عضو جبهه یابرداری و سازمان آزادیبخش فلسطین در مبارزه علیه صهیونیسم و امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا اندوخته‌اند.

از نخستین روز آغاز بحران خاورمیانه، که در نتیجه تجاوز نظامی اسرائیل علیه کشورهای عربی پدید آمده، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از مبارزه بر حق خلقهای عرب و سازمان آزادیبخش فلسطین پشتیبانی کرده و علاوه بر کمکهای نظامی و اقتصادی، در مجامع بین‌المللی از حقوق آنان دفاع نموده و امپریالیسم آمریکا و اسرائیل را محکوم کرده‌اند.

در شرایط کنونی نیز، که در اثر نقشه‌های تجاروی و توطئه‌گرانه اسرائیل و امپریالیسم آمریکا خطر درگیریهای مسلحانه جدید در این منطقه بوجود آمده، برای رویارویی با این خطر و تقسیم نیروی در این پیکار، سوریه و دیگر کشورهای عضو جبهه یابرداری و همچنین سازمان آزادیبخش فلسطین، بدرستی بر روی گسترش و استحکام روابط خود پرتحولی‌کننده در این روابط با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی تأکید میکنند.

این منطقه مقاومت و یابرداری می‌کند. پس از انعقاد موافقت‌نامه‌های کمپ دیوید و خیانت رژیم سادات، دیگر رژیمهای ضد خلقی و ارتجاعی، مانند عربستان سعودی و اردن، بایستی از سیاست امپریالیسم آمریکا، تلاش‌هایی بکار بردند، تا شرایط موافقت‌نامه‌های خاتمانه کمپ دیوید را به دیگر کشورهای عربی مورد تجاوز اسرائیل بقبولانند و خود نیز به این موافقت‌نامه‌ها بپیوندند. اما روش اصولی و قاطعانه کشورهای عضو جبهه یابرداری این تلاشها را عقیم گذارد.

پس از تحولات تازه‌ای که در نتیجه پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و انقلاب دمکراتیک در افغانستان پدید آمد، به مواضع امپریالیسم آمریکا و اسرائیل در این منطقه ضربات جدی و جبران‌ناپذیری وارد گردید. امپریالیسم آمریکا در تلاش برای جبران این ضربات، به تقویت پایگاههای نظامی و گسترش حضور نظامی در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند پرداخت و سرزمین کشورهای را که رژیمهای وابسته در آنها حکومت دارند، به پایگاه نظامی و سرریل تجاوز خود علیه کشورهای مستقل ملی منطقه، یعنی کشورهای عضو جبهه یابرداری، جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان تبدیل کرد.

اکنون امپریالیسم آمریکا و متحدان اروپائی اش و رژیمهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم آمریکا در منطقه، جبهه واحد تجاوز، مداخله نظامی، توطئه و تحریک علیه کشورهای عضو جبهه یابرداری، سازمان آزادیبخش فلسطین، و نیز علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان را تشکیل میدهند. در برابر چنین خطری است که کشورهای عضو جبهه یابرداری و سازمان آزادیبخش فلسطین، روابط و همکاریهای همجانبه میان خود و نیز با متحدین خود در سطح جهانی را گسترش میدهند و اثر استحکام می‌بخشند.

سوریه، سازمان آزادیبخش فلسطین و دیگر کشورهای عضو جبهه یابرداری، طبق تجربیات قریب سی سال مبارزه و یابرداری در برابر تجاوزات اسرائیل و امپریالیسم آمریکا و دیگر دول امپریالیستی، این

هفتاد و هشت روزنامه‌ها گزارش دادند که یک شبکه بزرگ عوامل کودتای نافرجام تیرماه در رادیو و تلویزیون کشف شد. کیان گزارش میدهد که از این شبکه توطئه‌گر تا بحال بین ۲ تا ۶ نفر دستگیر و قریب ۴۰ نفر شناسایی شده‌اند و احتمال می‌رود این رقم قاصد نفر نیز افزایش یابد.

عوامل کودتای برنامه‌هایی را که می‌بایست پس از موفقیت توطئه، از رادیو و تلویزیون به جانب‌داری از کودتایان پخش شود، آماده کرده بودند. آنها قریب به ۳۰ ساعت برنامه تهیه و چند نوار سخنرانی از سرسیردگان رژیم سابق مونتاز کرده بودند. عوامل کودتای نوار تلویزیونی تا جک‌گذاری شاه سابق را ریزه بردند و ...

چنانچه معلوم است، عوامل امپریالیسم آمریکا و وابستگان به رژیم منور پهلوی، علیرغم ۱۸ ماهه که از انقلاب ایران میگذرد، هنوز مواضع و پستیهای همی را در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در اشغال خود داشته‌اند. این عوامل آنچنان از آمادگی برخوردار بوده‌اند که حتی برنامه کودتایان را نیز تهیه کرده بودند و در انتظار دستور برای پخش آن بسر می‌بردند!

اینکه چه نیروهایی در ایتاق این مزدوران، آنها در چنین موقعیتهای حساسی نقش داشته‌اند، امری است که باید مستولین جمهوری اسلامی ایران بدان پاسخ دهند. و این عناصر را، که بیشک خود در رابطه با کودتایان عملی کرده‌اند، افتاء، دستگیر و مجازات کنند.

پاسخ مسؤلان به خواستهای مردم

بدنبال درج یک گزارش از محلات فقر با عنوان «فقر حلقوم مردم پایتخت داغ تریز را میفشارد» در نامه «مردم»، شماره ۲۳، مورخ ۲۵/۲/۵۹، نامه شماره ۱۰۲۳۲۶۱ مورخ ۵/۳/۵۹، از طرف مدیر کل ارشاد ملی آذربایجان شرقی و قوکی نامه شماره ۲۹۲۲ مورخ ۱۶/۴/۵۹ از طرف فرمانداری تریز به دفتر نامه «مردم» ارسال گردید، که متن نامه فرمانداری تریز عینا نقل می‌گردد:

«بنیاد مستضعفین تریز قوکی صفحه ۶ روزنامه مردم، شماره ۴۳، مورخ ۲۳/۲/۵۹، تحت عنوان «فقر حلقوم مردم پایتخت داغ تریز را میفشارد» که طی نامه شماره ۱۰۲۳۲۶۱ - ۵۹/۴/۵۹ اداره کل ارشاد ملی آذربایجان شرقی واصل شده، بیسوست ارسال میگردد. خواهشمند است دستور فرمایید پیرامون موضوع رسیدگی دقیق و تحقیقات لازم معمول، چگونگی و نتیجه اقدامات مستقیما به روزنامه مزبور ارسال دارند، ضمنا مراتب را به اداره کل ارشاد ملی و نیز فرمانداری اعلام فرمایید»

★ نامه مردم - ضمن تشکر از حسن توجه مقامات مسئول، نامه «مردم» در انتظار پاسخ بنیاد مستضعفین تریز و نتایج اقدامات رفاهی مردم رنج‌دیده ساکن در محلات فقر و نیز محله پایتخت داغ تریز است.

عوامل کودتای در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به چه کاری مشغول بودند؟

هیچ‌کس در وابستگی خبری به منابع و خبرگزاریهای امپریالیستی باقی ماند. این واقعیت را حزب توده ایران و دیگر نیروهای مترقی و انقلابی بارها و بارها اعلام کردند و آنرا با دلایل و شواهد و آمارهای گویایه اثبات رساندند و مبرانه طلبیدند تا این نقیصه مهلک، که بیشک از عملکرد وابستگان به امپریالیسم و رژیم سرنگون شده ناشی میگردد، باجدیت و هر چه سریعتر مرتفع گردد. اما این واقعیت تلخ همچنان بر عملکرد رادیو و تلویزیون، سایه افکند، تا آنجا که معلوم شد احتمالا یکمصد کودتای در مواضع حساس آن وجود داشته‌اند.

وابستگی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به منابع خبری امپریالیستی، که بیشک نتیجه عملکرد آگاهانه عوامل امپریالیسم در درون آن بوده است، برای مدت ۱۸ ماه دنیا را از چشم انحصارات امپریالیستی به مردم انقلابی ایران نمایانده، شکردهای تبلیغاتی آنها را علیه مصالح انقلاب ایران بکار بست و توده‌های مردم را نسبت به شناخت دشمنان واقعی و دوستان حقیقی خود سردرگم ساخت. این وابستگی فکری و تبلیغاتی، که مسلمانا کودتایان در تحکیم آن از هیچ‌گونه تلاشی فروگذار نمی‌کردند، آذهان مردم را بشدت مسموم ساخت و در واقع به فراهم آوردن زمینه‌های سیاسی و روانی تحقق توطئه‌های امپریالیسم یاری میرساند.

ما در نامه «مردم» طی مقالات مستدل و مفصل نشان دادیم که صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران نه فقط از نظر خبری به منابع امپریالیستی وابسته است، بلکه حتی در عرصه برنامه‌های تولیدی و تقسیم‌های خود نیز بطور عمدت نظریات و تبلیغات امپریالیستی را منعکس میسازد و از آنها الهام میگردد. بیشک این تعداد کودتای در این زمینه نیز بیکبار نبوده‌اند و از پخش تفسیرها و نظریات امپریالیستی بجای نظریات منطبق بر مصالح انقلاب ایران، و در کشاندن صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به وضعی که بدان دچار بود (و متأسفانه هنوز هم هست)، نقشی مهمی ایفا میکردند.

مزدوران کودتای باسواستفاد از ناآگاهی برخی نیروهای صدیق و نیز با بهره‌گیری از انحصار طلبیها و تنگ‌نظریها در برخی نیروهای دیگر، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران را به وسیله‌ای برای ایجاد تفرقه و تحریک بدل کردند و بجای تلاش برای ایجاد تقاض میان نیروهای مترقی و انقلابی، آتشبار دشنام، توهین و افترا را علیه این نیروها گشودند، جو تشنج و تفاق را دامن زدند و بجای اتحاد، تفرقه آفریدند.

آنها تلاش کردند تا صدواسیمای جمهوری اسلامی ایران را از نیروی از ویژگی برجسته خط امام، یعنی وحدت‌طلبی، منحرف سازند و براه ایجاد خصومت، تفرقه و بدبینی سوق دهند و متأسفانه علیرغم هتداهای مکرر ما و کلیه نیروهای مترقی و انقلابی و نیز مسئولین صدیق جمهوری اسلامی ایران، در این تلاش شوم خود تا حد زیادی موفق بودند.

اما آنچه اکنون می‌توان در ارتباط با وجود اینهمه مزدور امپریالیسم آمریکا در بهترین ارکان خبری و تبلیغاتی جمهوری اسلامی ایران مطرح کرد، این برستی است که: عوامل کودتای در ۱۸ ماهی که از انقلاب ایران می‌گذرد، در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به چه کاری مشغول بودند و چه اهداف و مقاصدی را از پیش می‌برده‌اند؟

روشن است که مزدوران کودتای در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، به انقلاب خدمت نمیکردند. کسی را که چنین ادعایی داشته باشد، بیشک باید مشکوک تلقی کرد. مزدوران کودتای مسلمانا در ۱۸ ماهه پس از انقلاب، تمام کوشش و تلاش خود را بخرج داده‌اند تا این ارکان مهم تبلیغاتی و خبری، از انقلاب بدور مانده، چهره گذشته خود را حفظ کنند و به انقلاب زیان بزنند.

واقیات نشان میدهد که کودتایان متأسفانه تا حد زیادی در انجام مقاصد پلید خود موفق بوده‌اند. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به تصدیق کلیتاً نیروهای مترقی و انقلابی و نیز مسئولان جمهوری اسلامی ایران، در ۱۸ ماهه پس از انقلاب، به وظایف عظیم خود در جهت آگاهسازی مردم نسبت به فجاج رژیم منور پهلوی و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و متحدانش، در جهت روشن‌ساختن اهداف ضد - امپریالیستی و خلقی انقلاب ایران، در جهت اتحاد همه نیروهای انقلابی عمل نکرده‌اند.

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران طی ۱۸ ماهه پس از انقلاب،

عوامل کودتای برنامه‌هایی را که می‌بایست پس از موفقیت توطئه، از رادیو و تلویزیون به جانب‌داری از کودتایان پخش شود، آماده کرده بودند. آنها قریب به ۳۰ ساعت برنامه تهیه و چند نوار سخنرانی از سرسیردگان رژیم سابق مونتاز کرده بودند. عوامل کودتای نوار تلویزیونی تا جک‌گذاری شاه سابق را ریزه بردند و ...

از کمک‌های رفقا و دوستان سپاسگزاریم	
۱۰۰۰۰۰ ریال	رضاشافته ازسوله
۳۰۰۰ ریال	در جشن عروسی... ف. ازسقر
۲۰۰۰۰ ریال	فریرز حسن‌زاده از گرمسار
۳۰۰۰ ریال	

برای مطالعه تا دچار نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

